بسم الله الرحمن الرحیم

خلاصه کتاب :

مدیریت سیاسی و خط مشی دولتی

دکتر سید علی اصغر کاظمی

درس : اصول سیاست گذاری

استاد : جناب آقای دکتر رضی

دانشجو محمد هندی رشته تحقیق در ارتباطات

بهار ۹۴

بنام خدا

۱

مقدمه

کتاب پیش رو، دانش مدیریت دولت را به دانشجویان و دانش‌پژوهان عرضه می‌کند تا تدبیر، تصمیم و خط‌مشی آنها بر پایه نظم و اصول علمی و واقع‌بینانه جامعه باشد. شرط لازم نیل به جامعه جهانی دنیای کنونی، ارتقای کیفیت و الزام است از دانش‌های علمی بسیار مهم بوده. مدیریت یکی مهم‌ترین رشته‌ای است و صدور آن، رشته‌های مرتبط چون مدیریت و تخصص‌های زمینه ارتباط است. آموزش‌های ارتباط با رفتار مدیریت و ارتباط‌های جامعه، اعتماد متغیرها و ارتباط آنها با هم است و تجزیه مدیریت بین رفتار سازمان‌ها، حکومت و تسهیل فرایند تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری‌ها برای کارآمدی نظام سیاسی، اداری و انتظامی کشور است.

حوزه تغییر مدیریت، مدیریت ناظر و دگرگون است که تغییر یک میدان از حوزه و تصمیم‌گیری‌های دگرگون رفتار کلان دولت ملت در حقیقت کل حکومت است. نظری بر زندگی‌های پیچیده تبیینی پدیده‌ها و مدیریت بنیادی‌ها مسائلی که پیشگذار به بحث خط‌مشی علمی و دست‌یابی به نتایج کاربردی است. فرایند تصمیم‌گیری پیشگذاری در نهادها و سازمان‌های حکومتی مهم می‌باشد که شامل ۲ بخش کلان در حکومت و غیر حکومتی است.

۱) بخش‌های حکومتی که اجزای حقوقی، مجریان، قضات، مقننه نظم و امنیت، توسعه و رفاه و حفظ استقلال و تمامیت ارضی.

۲) بخش‌های غیر حکومتی که ذینفع‌ها تقریب خط‌مشی‌ها است که شکل‌گیری نهادهای مدنی و دیگر حزبی‌ها

۳) بخش‌های فضایی که پایگاه حسد و علم تخصصی از قوانین توسط مردم و حکومت و نظارت می‌کند و در نتیجه گروه‌ها و جنبش‌های مختلف اجتماعی و دیگر

حکومت‌ها و در یک مدل قانون اساسی را تقسیم می‌نماید.

نهادهای سیاسی غیر حکومتی از جمله احزاب سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ، اتحادیه‌ها، صنفی و شغلی و گروه‌های فشار که با سیستم اداره و گروه‌های اجتماعی تحت‌تاثیر حفظ و حمایت از نهاد و بعضی آنها ذینفع و کارای ارتباط میان مردم و حکومت را در اختیار دارند.

نوع رابطه میان نهادهای قدرت سیاسی با مردم است که شکل آن.

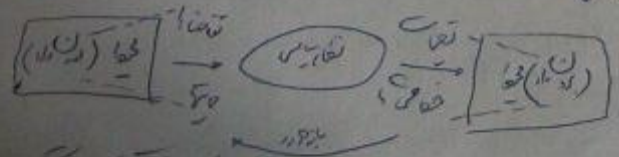

نحوه شکل‌گیری نظام سیاسی در محیط اجتماعی

تقاضا ← تعیین اهداف و اولویت‌ها
تنظیم رفتار و اداره گروه‌های اجتماعی
شرکت در نظام سیاسی و تصمیم‌گیری
اطلاع‌رسانی و اخبار درست از حکومت

و جمع اجتماع نظام سیاسی در محیط جامعه و تحقق آرزوهای آنها است.

حمایت ← مادی (مالیات و عوارض) - فرهنگی (قوانین و دستورات - شرکت در فعالیت‌ها و ...)
(حمایت شرکتی) - افرادی دیگری از اعتبار عمومی الازامی و رسمی توسط دولت

[illegible]

[illegible]

فصل ۱ کلیات، تعاریف و مفاهیم ۱- مقدمه: زمینه بحث

[illegible]

۲- مدیریت دولتی و نظام اداری

بعد گویی به معنی نظام اداری وسیع (سیاسی و نظام) و یک جزء کارآمد نیست. نظام اداری جزئی از نظام سیاسی است. از جمله مشخصات نظام سیاسی نظام اداری ما کس وجود است که به نوعی معتقد تکلیف و هدف سیستمداران و مدیران (کارمندان و بدنه دولت) به خدمت سیستمداران و مجریان است (مجریان از اداره). در این تکلیف و وظایف سیستمداران حقوق شهروندی در کشور ما فقط نمایشی است که پیاده کردن آن باید جزء خاص داشته باشد. مدیریت دولتی با هدف و رفتار اداری و علمی سیاسی مرتبط است و جامعه است که طی فرایند مدیریت دولتی تا توان به هدف عمل می‌کند و با تقریب و تقسیم کار و ترسیم قوای دیگر. مدیریت دولتی فعالیتی مرتبط بین سیستم‌های و ارزش‌های با اعمال حاکمیت است. در کشور ما از منظر علم سیاسی به سیستم‌گذاری عمومی جمع‌بندی انعکاس تقاضای شهروندان به دولت و رسانه‌ها و تقسیم تجزیه و آغاز تدوین جایگاهی نیازهای به عدالت فرایند برنامه‌ها به این شعبه تقاضا این کاهش است.

مفروضات اساسی که براساس بحران‌های نیازهای عمومی در فرایند سیستم‌گذاری که دلیل طبیعی نسبی تحریک‌آمیز (۳ و ۴) بحث، تقاضای تغییرات عمده از تغییر شباهت رفتارها، مسائل فلان از یک دیدار، و جنبه‌ی شرکت کننده فرایند سیستم‌گذاری عمومی از سوی مردم، علم ادراک دولت در حجم مسائل عمومی و خصوصی و سعی بر حوزه یک بخش مسائل، مسائل اصلی، مقصدان مقدور، تقاضای خاص نوعی قابل دسترسی به حقیقی و آرمانی، بازنگری و تعریف مسائل و تقاضاها به طور مستمر، تعریف مسائل و برنامه‌های عمومی شفاف و روشن و غیرمبهم و علم علاج لازم به مسائل و بحران و تغییر و علم تشخیص سیستم‌های عمومی، جانبداری، ترجیحی و تدریجی بودن تقسیم نیازها.

عناصر اساسی فرایند سیستم‌گذاری: ایجاد مسائل عمومی در نتیجه ادراک اشخاص از نیازهایشان، مسائل مشترک اشخاص، ارائه مسائل به حکومت، ادراک و ادراک مسائل از سوی حکومت، آغاز تقسیم، درگیری افراد تقریبی این تغییر ادامه پیدا می‌کند.

سیستم: به مجموعه‌ای از افراد دیگر مرکز تعاملی مسائل متعدد و حدود با انتظارها و هدف مشخص (افراد و نهادها، تعریف رفتارها و وجه) فرایند: یک سلسله فعالیت‌های سازمان‌دهی شده سیستم.

مثلث‌های سیستم‌گذاری:

تشخیص مسئله	تقاضا جهت اقدام جهت حل مسئله
تعریف مسائل	شنیدن جهت حل مسئله
مشروعیت بخشی	برنامه (کیفیت، کارشناسی)
پاسخ‌گویان	اقدام برای اجرا
مشورتی	توصیه برای تنظیم

۳- علم سیاست و خدمتگزاری مردمی (عمومی)

علم سیاست هدفش تشریح، تبیین، تنظیم و پیش‌بینی پدیده‌های سیاسی است. خود بحث علم سیاست مسئله کیفیت کم حکومت و قدرت است ولی
وظایف و وظیفه از مباحث مثل تقسیم حکومتی و شهروندی مطرح است. شناخت انسان و شکل گیری کیفیت او و اختیارات و آزادی‌های او
نقش بسیار مهمی در آموزه‌های دینی و اجتماعی اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کند. تا قدم تبیین رفتارهای بشر و چه وظایف انسان و علم انسان
در حوزه علوم علمی با این قضیه تمدن غیر است نیز با مسائل انسانی و جهانی است و بشر تجربه است تا حوزه علم که با جامع آورده‌ها به تبیین
حوادث و وجوه آن به وظایف پیش‌بینی جامعه می‌رسیم. در علم سیاست از جامع عام و خاص و حوزه‌های تجزیه و تحلیل‌های مورد بحث هستیم
که این خاصیت در زمینه‌های مختلف متفاوت بوده و بر حسب زمان تغییر می‌کند (جامع و جامع نیستند).

نظریه‌های اولیه سیاسی و اجتماعی از قدیم به زمان‌های باستان و حتی بر اساس آداب بشری و زیاد مورد گفتگو بوده‌اند. اندیشمندان در سطح
به دنبال مفهوم عدالت و مدیریت سیاسی بوده‌اند. با گذشت زمان تکامل قدرت و تغییر در تفکر سیاسی جامعه، انسان و حاکمیت زیاد طبیعی شد.
مورد پرسش چرا انسان آزاد باید در بند باشد؟ نظریه‌پردازان با خصلت بخشیدن به‌های علمی سیاست‌گذاری خیلی نیروی قدرتمند ولی اندیشه‌های سیاسی
را در جهت توان پایدار و تعالی بشر به کار گرفته‌اند. در قرن‌های متفاوت انقلاب‌های بزرگ برای دستیابی علمی به شاخه‌های زیاد و جهت
انگیزه بهبود و تأمین نیازهای انقلابیون بوده است.

تلاش در این تنوع جامعه یکی از نگرانی‌های شهروندان عادی تا زمانی که در زندگی عادی به تأمین نیازها دچار مشکل نشوند زیاد توجه به
حوزه حکومت نمی‌کنند. در همه جا این مشکل به چشم می‌آید با توجه به اینکه آنها در تحصیل امور عاجز بودند، در انتخاب
خواسته‌ها به حکومت نمی‌توانند در عمل کنند. متوسل به قوانین اقناع و هدف دست می‌شوند که الزام است آزادی
شایست و حق انتخاب و بیان آزادانه اندیشه‌ها و خواسته‌ها در جامعه باشد و آن چیزی که تأمین می‌کند که تأمین نیازها و دفع از
حدود شهروند در مقابل حکومت به عمل کند. تا زمانی منافی در مقابل دولت و مردم تسلط باشد و آزادی مشروع سلب نگردد انگیزه شایسته
در سطح خواسته‌های تقویت و در صورتی که عکس باشد زمینه برای خواهان در جامعه فراهم می‌شود.

۴- شناخت شیوه عمل در سیاست: آیا سیاست از یک سلسله اصول ثابت پیروی و عمل می‌کند یا شیوه در اختلاف بوده است
که آیا اصول و عمل می‌توانند با هم باشند. این مؤلفه‌ها آیا بر یکدیگر و تغییر سیاست در جایی اصل شوند یا بر اساس و مرام؟

بعضی از عقیده بر این است که اهداف و تمایلات بازیگران بر شکل بازی در قالب برنامه و در جهت اهداف و منافع بازیگران صحه گذارند.

گروهی نیز بر این باورند که این گروه‌ها در نظم و بی‌نظمی حاکم بر جهان تأثیری ندارند و بخصوص از بازیگران دولتی تأثیر می‌پذیرند.

تقسیم‌بندی سیاست‌های سیاسی (از جهان‌بینی) — high politics (سیاست‌های مثبت) — نیز امر / نهی
— low politics (سیاست‌های منفی) — نیز امر / نهی

خدا شرّ را مقدر نمود عده از جهت جنبه زیاد.
تقیه عده از جهت تأثیرگذاری، اجتماعی یا ادغام قوای و
آموزش به قانون
تقیه با بود کمتر و جهت کمتر شرّ مالی دیگر یا
اقدام و تدوین عدالت شرّ بیم از کمتر

سیاست‌هایی که جهت وقوع رابطه — politics of violence — امر
— P- of persuasion — نهی

شرّ قتل، شکنجه جرایی، اعتقاد به انگیزه بعید
اقناع، تهدید، اغوا، تحقیق و —

سیاست — اجتماعی — consensual P — فرض برابری و همگنی در جمع بازیگران (مشارکت در سطح عمومی، مطالبه و سطح نیازها) *
— سلسله مراتبی — hierarchical P — عکس حرکت از پایین عناصر نظام از قوی به ضعیف است *

*۱: آنارشی به معنی نفی، حفظ اقتدار مستقل و حریم آزادان، استقلال، آزادی عمل، نفی سلطه، نیازها و خدمات ارتباطی و اجتماعی
به بازیگران — هیچ گونه واحدی کنترل و تابع اتباع جمعی برای جهت مقصود عمل اگر عمومی وجود اختیار ندارد.

*۲ — هرم قدرت — سیاست‌مداران — تئوری سیاست و قضایا؟
بازیگران — بدون — از بازیگران مشارکت در سطح نیازها کمتر گروه ضعیف بدون قوانین

رشته علمی سیاست نیز از جهت مبانی، منطق به انجام رسیده است. با طبقه‌بندی جایگاه‌ها به سیاست تکثر نظریات متعارض، تبیین‌های کاربردی
بازیگران
مانند سیاسی، نظریه‌پردازی و کشف موضوع صرف جهت کنکاش بوده است.

۱- امر بالفعل (آنچه هست) به ترتیب و تعلیق کشف ماهیت می‌شود. the actual
۲- امر ممکن the possible آنچه می‌تواند شد و با روش‌های تاریخی نظری می‌توان به ماهیت آن پی برد.
۳- امر محتمل the probable آنچه خواهد بود، روش‌های پیش‌بینی
۴- امر مطلوب the desirable آنچه باید باشد و با تمامی اخلاقی، ارزش‌ها و تجربی به حصول آن می‌رسیم.

نظریه‌ها می‌توانند ترکیبی از این چهار مورد فوق باشند.

منشأ و شکل‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت‌ها که از ابزار تئوریک بیش از حد کلیدی می‌کند.

۱- ارائه تشخیص: که این موضوع ناشی از آرمان‌ها، ایدئولوژی، شخصیت، معلومات و ذهنیت و ... ناشی می‌شود

در حقیقت این مسائل بیش از تجربه، تشخیص و علم و تجربه نیست. البته این مهم با تقدیس مطلق علمی - مرتبه‌ی علمی انسانی و

برانی و ادامه‌ی کار تئوریک تبیین با تجربه و تکرار آن و ابزارهای مشخص به کمک که مدعیان ذات دارد.

۲- محدودیت اطلاعات: بعد از محدودیت وجهی اطلاعات ناشی از محدودیت قبض علم و علم قابل اعتماد بودن بحث‌های مانند گزارش

فراوانی - کتاب‌های سری و اسناد محرمانه و تاثیر اطلاعات پراکنده و غیر مجتمع بینی شده و ابزار

۳- فرایند زمانی اندوری: به اساس و ذخیره تئوریک مفید است که درک مشترک و واضح تنها زمانی فراهم شده باشد: توجه به شرایط

و پیامدهای تغییر نسبی است و دلالت معنی و مصادیق تغییری است. تفاوت ذهنها را و ایدئولوژی‌ها علی رغم تقدس شمیدن آن

به علم موجودی و تابع از بدایت که پیوند تعریف نداشته‌اند. علی‌رغم آن آزمون، اعتبار، قطعیت قوت‌ها و عدم تجمع

نظریات و بطور کلی عدم جامعیت نسبی نظریات.

البته تمام تئوری‌ها با کمی تعامل سلیم و جامع و وظایف اش در عمل با ابهام‌های قبض و خروج داده‌ها و تئوری‌های شخصی صلح و دکترین‌های دیگر

در جهت پیشرفت حرکت می‌کند. و تا حد زیادی به این میدان تحقیق علی الرغم تشکیلات جامع تئوریک است.

فصل ۲ نظریات و فلسفه حکومت:

۱- مقدمه: تابع تحول اندیشه‌های بشر به تحول بنیادین حکومت و اخلاق در زندگی اجتماعی انسان است. بنابراین علم قدرت و

تدبیر امور جامعه از جوانب حکومت و چگونگی رهبری انسان اجتماعی در یک جامعه مطلوب که هم از وجه و جایگاه شهروندی برخوردار است.

بحث‌های حکومت بنیان نظری بنیادی و اجرایی است که تمام جهان و زندگی جمعی است و فلسفه آن به جهت ضرورت زندگی انسان‌ها

و ابزارهای حکومت آن بعد از شناخت مفاهیم و ارزش‌های نظام و اندیشه‌های آن بنیان‌های مهم و لازم مستلزم تحقیق و اتفاق و علاقه و حاصل اجتماعی

آن است. مفاهیم سیاست و حکومت مقدس بر اساس جامعه و دنبال حوزه‌های علمی برای مشروعیت با کارایی و کارآمدی به شکل‌های علمی و اجتماعی است.

علم‌ها در حدود بررسی و تبیین روابط میان انسان‌ها جامعه و حکومت است. علم اخلاق به فضایل و عناصر حیات انسان در قبال تمام و تعالی

انسان در جامعه نظر دارد. سوال: آیا جمهوریت تنها راهکار این اندیشه‌ها و جامعه مطلوب است؟ و کدام تحقق آن؟

[illegible]

[illegible]

۲- [illegible] (یعنی حکومت مطلق) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[

البته حقیقت چیزی عکس این است که در حکومت سلطنتی باشد. دموکراسی تنها در حکومت جمهوری زمانی مهم قدرت را در اختیار داشته باشد تحقق می‌یابد. او معتقد به حکومت‌های برای حقوق فردی، رهایی و خیر عام، آزادی قدرتی است که هم بدون ترس هر آنچه بخواهند و اراده نمایند و یا نخواهند و دیگر نباشند به اوست.

دورکیم: این شاگرد با یک پدیده اخلاقی می‌داند و به ایجاد یک همبستگی اندام‌وار (Organic Solidarity) در تقسیم کار اجتماعی همزمان اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد. او تأثیرگیری دموکراسی را از نظام عملی و جایگزینی خلاقانه بدیده برای کنش حکومت سلطنت‌ها — هم هست بلکه باید هست و نوع عمل به قدرت در حاشیه عمل است. او اخلاق را لازم قدرت می‌داند و انواع در حاشیه و اخلاق در دولت انضباط در حال تکامل و تغییر جزء: بیشتر فرد بدون اجتماعات که بعضی اکثر اخلاقی جدید است. همبستگی مکانیکی در جوامع ابتدایی ← همبستگی ارگانیک در جوامع پیشرفته

ماکس وبر: او معتقد به اخلاق مسئولیت (کاپیتال) و انسان‌های دارای اخلاق اعتقاد (کاملاً) است و نقش اخلاق در رفتارهای پایان (معیار وسیله و هدف) کاپیتال برای عقل‌گرایی اول - نهم - و اخلاق اعتقاد (نیروهای اندیشه و احساس) و اقدام بدون توجه به عاقبت پی‌آمدهای آن است. او می‌گوید عمل اخلاق اعتقادی چیزی است که با آزمایش با عمل پایان نداشته نوزاد اعتبار خود را تأثیر می‌دهد. در عمل پایان نزد دیگران (وسیله) به آنان کاملاً خوب نیست بلکه یک نوع عمل رفتاری است از منابع اخلاقی است (پایان به عاقبت قدرت قدرت را برحسب کانون جمع نیست).

وبر خصیصه ذاتی یک کنش اعمال سلطه و اقتدار برای تغییر رفتار آدمیان در جامعه می‌داند. او آنانی است از پایان صاحب‌نظرانی که توانست بین ابعاد آزادی و آگاه‌سازی (واقعیت و حقیقت) پل بزند. او از تیپ‌شناسی فردی به دو دسته به عقب آنان هر زمان و دلیل‌های دیگر چه کسی کرد. او یک برای شروع قدم آزادی فکری و عقلی قدرت‌های خویش است. او آنانی که او عقلانی در دنیای دنیس علمی تمام خاص جمع در حال خود هستند. او حاصل اخلاق اعتقادی است و حرارت از علاقه وجود دارد. فرهنگ و دیگر آنان به آن حد — دموکراسی سلطه و خدمه (نخبه‌ها و دیگران) تا حد چه با هم نداشته.

اشپنگلر (کتاب زوال غرب): اجتماع دموکراسی غلبه می‌کند و غرب گرفتار نداشته و در آن تردید نخبه از سیاست‌مداران و افراد که بدبینی مسئولیت و خشنودی حکومت را بدوش بکشند. (نخبه‌ترین دنیای عام آرای).

ماکس وبر: تقسیم‌بندی و تفکیک قدرت: تفاوت در میان مشروعیت اجبار و اطاعت است. انواع اقتدار: ① اقتدار عقلانی: اقتدار به اقتدار قانونیت

اقتدار:

② اقتدار سنتی: اعتقاد به فضیلت مقدس سنت‌های کهن و مشروعیت اعمال آن.

③ اقتدار کاریزماتیک: تقدیس خصوصیات ویژه افراد و در رأس آن.

نهادها و ساختارهای اقتدار هستند که شکل حکومت، شیوه تولید و روابط دولت و ملت را ترسیم می‌کنند.

نیم بیان: هیچ گاه وضعیت واحد در یک سو قطعاً مثبت و اقتدار و از سوی دیگر قدرت همیشه و شرارت است. بنابراین شکل دولت‌ها در زمین دلاوری انجام می‌شود. دولت نیز توانمندی دولت‌ها در آن زمینه، اقتدار و تنگ جامعه اقدام کند و منافع خود را با دولت در خیلی جاها سازگار نیست. لذا باید جلوی سوء استفاده از قدرت را در طول جامعه گرفته شود.

پس نه اقتدار و نفی اراده امر جامعه - نیز آن‌ها که اقتدار، مدارک و جایگاه عرفی و قانونی تبرک حکومت می‌کنند

نیز حاصل کار قدرت و منافع ملی محور است.

استقرار جامعه مدنی بعد از اقتدار گرایان بیشتر امری غیر ممکن است.

۳- تئوری‌های سیاسی و روابط آن: فلسفه و اندیشه سیاسی:

تئوری‌های و دیدگاه‌های سیاسی — ۱) فلسفی که قدرت را جزء فلسفه می‌دانستند.

" " ۲) حقوقی و اصلی (ایده حقوقی - قانونی) به جامعه و دولت

هر دو در کنار جامعه‌ای و قدرت‌های اقتدارگرا

پایه‌های علم سیاست امروزی — فلسفه: که به دنبال دو پایه‌ای می‌باشد، آن فقط به قوانین و حقوق و تکنیک‌های جامعه‌ای اجتماعی از جامعه

حقوق: اساس تشکیل نهادهای سیاسی، توجه به جنبه‌های علمی و استفاده از چون لاک

اقتدار بیولوژیکی

مدیاز از اقتدار حقوقی

در سو، مشکل و غرب، قوانین و مشاور و مکتوب، ارتباط قوا با هم و بدون، اعتدال، آزادی، تعلیم و آموزش

با دیدن ضوابط قانونی مشروعیت سیاسی نظام‌ها تجزیه می‌شود.

اختلاف و پایه‌گذاری قدرت‌های مورد بحث است که فلسفه علم می‌شود. اختلاف سیاسی با دوانه‌ی برای حقوقات منع بطرف است.

۴- مشکلات اساسی (وظیفه) تئوری (تئوری‌های) سیاسی:

۱) توضیح چگونگی عملکرد دولت‌ها و تغییرات نسبت قدرت و چرایی ضرورت اطاعت از آن‌ها.

۲) چرایی حکومت چه باید باشد و برای این به اهداف حکومت چگونه سازمان‌دهی شود.

پیروان مکتب اصالت سود و وظیفه از جمله تئوری‌های مدرن، تعدد، چون دموکراسی (اداره عمومی)، هگل (دولت) که نیازی به توضیح دادن ندارند.

تعدد و تنوع تئوری‌های سیاسی و دیدگاه‌های تئوری و عملی شرایط جوامع از اهمیت آن‌ها می‌کاهد.

مارکس: نظریه سیاسی چیزی از ایدئولوژی یا آگاهی دروغین است و با علم تفاوت حقیقی ندارد است. (او معتقد بود که
بشر به علم اجتماعی حقیقی است یا خود تولید ایدئولوژی رها شود).

ادموند برک: نظریه سیاسی جز در چهارچوب یک نظام موجود را توجیه کند زیاد با خرافه همراه شود.

لاک: موضوع نیازمند فلسفه عملی است برای توجیه مبانی دولت داری. مقدمه نوشته رشته دو نوع حقوق در رفتار
از شیت الهی یا الهام از طبیعت وجود دارد. اصول حاصل کشورهای بدون تعالیم خود سازگار نیستند و کاربرد عملی ندارند. اروپا، آنچه
امکان تحقق نداشته باشد موضوع تشکیک است. اولین کار یک فلسفه عملی علم است تمیز دادن عقده چنان سیاسی - تمیز تفاوت های واقعی و
عملی علم یک از احکام اندیشه ایدئولوژیک است. که انتقادها ظاهراً موجه دولت و منافع کلی است که تحلیل فلسفی در واقع محک و درستی شان
این اختلاف است. مفهوم دولت و تمایزات با علوم سیاسی ملازم و جهت گیری دارند. تمایزات از دولت حاکم و شرع سرچشمه می گیرد
از نظریه پردازان خاص ایدئولوژیک. وجود جنبش های دولت ها و حکومت ها است. بی آزادی اعلامیه ها است. ارزش و تقدس دموکراسی و
کارکرد سیاسی نقش عملی داخلی ایفا می کند. اهداف سیاسی مورد مناقشه هستند و به شکل های مختلف تفسیر ظهوری می شوند.
آزادی و عدالت و دموکراسی بنا به نیت حکومت و مقتضیات خاص تفسیر و توجیه شود و در جهت توجیه مشروعیت یا تحقیر مقبول آن
پرچم: آموزش اتحاد جامعه مدنی دموکراسی است نه دموکراسی نمایندگی. حتی در دولت دیکتاتوری حزب حاکم با صفت دموکراسی می باشند.

فلسفه عملی سیاست: صرف توصیف و نحوه وقوع پدیده ها در جامعه نیست بلکه باید تقسیم بندی انجام چه باید بکنیم و چه نباید بکنیم
و نظریه پردازی سیاسی با چنین اساس نظریه سیاسی باید منطقی منسجم و واقع بینانه باشد.

۴- فلسفه جمهوریت و حکومت:

واژه جمهوریت ماخوذ از لغت Republic در زبان لاتینی Respublica یعنی چیزی از (Res) برای (Publicus) عمومی
و در قاموس لغات عموم، مردم و جامعه و ... آمده است. مراد از جمهوریت مدارهای غربی نوع نظام حکومتی سنتی از سوی مردم است
تمایزات اساسی اشکال مختلف حکومت در منشأ و چرایی مشروعیت آنهاست. در گذشته حکومت ها موروثی بوده و عنصر حاکمیت با مفهوم الوهیت
همراه داشت و مشروعیت غالباً از ناحیه ای خارج از اراده بشر کسب می شد. مشروعیت تا حدودی در رابطه با کاری و یا کاربرد سکه برای کسب
اطاعت مردم بود. حکومت های زیادی که هنوز هم در گوشه و کنار جهان حیات دارند علی الرغم استبداد و خشونت عنوان جمهوریت و دموکراسی را
با خود یدک می کشیدند.

از نظر حقوق و سیاسی واژه جمهوری و حکومت جمهوری به نظام سیاسی گفته می شود که بر پایه سیستم نمایندگی مردم بوده و

تفکیک قوا وجود دارد که به حمایت اکثریت از وزرا و قوه مجریه قدرت مشروع به دست می‌آورد. قانون، اعم (قانون اساسی)
وجود دارد و برای آن به اراده کشور می‌باشد و قانون تابع حکومت است. سلام است از حمایت اکثریت برخوردار است.
در خصوص غایت و اهداف دولت و حکومت و محدودیت مکان نظریه‌ی تنوع، تمایزات وجود دارد که حرکت به سمت حکومت از زمان ابتدا
پیدایش انسان، جامعه، حکومت تغییر قائل دارد.
از قانون‌دان انقلاب فرانسه فیلسوف اعلام یا سرود دادن به اعتبار الوهیت و تشبیه شایسته حکومت می‌نشستند که به جز قضات ویژه و معدود از جمله و بعض
قوه‌ی مادی عدالت را می‌توانند به جامعه ارائه کنند.
ارسطو (شاگرد افلاطون): اگر چه بخش از مشی‌ات به ایشان از افلاطون فیلسوف الاهی بوده و آن را به جانب قدرت واقعی می‌دانند
که با اراده خود به شخص شایسته تفویض قدرت کرد. بنابراین حاکم انتخاب می‌کند و مراجعت او تا زمانی که از مسیر عدالت خارج نشده، مستبد
گسیخته نشد. دوام دارد که اعطای قدرت و تفویض تکمیلی آن را از او در حاکم مستبد می‌کند. ارسطو در مبحث برآوردی امم را
ترجیح می‌دهد البته تقدم دموکراسی بر دیگر اقوام و نظرات با مخدوم اورزی شده است. بنابراین حدود نظر ارسطو در برای ویژگی‌های جدا از توده عوام است.
هر دو فیلسوف معتقد به اختلاف می‌باشند که بنای قدرت مشروع و قانونی است.
افلاطون: حکومت استبدادی یک فرد مفید را بر حکومت هشت قانونی ترجیح می‌دهد.
ارسطو: حکومت قانون بدون اجازه و توجه به موارد خصوصی و زمینه‌ی فرد بشری را در کلاک اراده مطلوب جامعه می‌داند.
هر زمانی که می‌بینید از قرن‌ها مجادله و نظرات پردازی وجود دارد اینکه بهترین شکل حکومت، غایت حکومت و مشروعیت، نقش اختیارات
جمهوریت و دموکراسی چیست؟

۵- دموکراسی و نظام نمایندگی:

معنی دموکراسی در لغت: از ترکیب Demos به معنی مردم و kratein یعنی حکومت کردن
برداشت دموکراسی: توجه تا جامعه مردم به امور همگانی است. یعنی معنی در بطن داشته جمهوریت یا جمهوری نسخه است.
در بعد امر به نظری در جمهوریت و دموکراسی باهم پیوند قائل دارند و ۳ عنصر شایسته، رضایت و رقابت در کنار هم افزایی بدان
معنی می‌دهد. اما مردم در رضایت مردم چه می‌توانند باشد؟ برای آن حکومت برای حقوق و تکالیف یعنی به استقرار نظم و عدالت و مبلغ امور در
باهم درش یکیت و شخص و ملاک که برای تناقض معنی دموکراسی و مردم‌سالاری ایشان است خیلی مشخص نیست.
ارسطو: نظامی که به تنهایی اجازه شایسته می‌دهد و بهای به کرده اندک است (الیگارشی) و نظامی که به اجازه شایسته می‌دهد (دموکراسی) است
تناقضات و مشکلات جمهوریت و دموکراسی: سوال: کدام مردم؟ ایراد و نقایص مردم، شرایط باری و سنوری آنها، ابزار و شیوه آنها برای
(مردمی)

دموکراسی، مالکیت و بیکاری و مصادیق دموکراسی چیست؟ که صد در صد حمایت و اقبال قلبی است؟

- مردم دنیای واقعی هم نه تابع‌اند و نه اهل تمیز، و چه‌بسا بهای اول اهل حاکم خود هستند.
- اکثریت مثلاً ۵ جمهوری اسلامی و دشمن‌ها تبلیغاتی، جمع جمع می‌کنند.
- کودتا و انقلاب: آنچه پیش می‌آید که هیچ سیاست تابع و تابعی حزبی ملت نیست و مردم: افرادی عشوه تابع و تغییر حکومت جایگزین قدرت نیستند که انقلاب یک چیز خوب است و شاید ممکن باشد اما هم‌زمان وضع مطلوب و بنای فعلی نو با خرابی جدید است.

ارسطو: توده‌های مردم به این دلیل انقلاب می‌کنند که آنها به برابری و عدالت می‌رسند. (نظریه‌پردازان تیرانیا و مشارکت‌جو) با یک انقلاب از مردم برای فرد و یا دگرگونی در تاریخ، دموکراسی در اصل وقت می‌گیرد. تا مدتی یک حکومت نظم جدید که جامعه در شرایط ثبات و جریان است (مرحله گذار) مولد آرمان‌ها و شرایط خاص دموکراسی حاکم است و با یک انقلاب به پایان رسیده حکومت نامکان و نامشروع و مستقر عدالت و آزادی و دموکراسی است. این شرایط مرحله گذار و بحران آن را در منابع اصلی منحرف می‌کند. تمام انقلاب‌ها با چنگ جان انقلاب گیرمانده.

مطرح شد که دموکراسی با زبان حضور مردم در عرصه سیاسی بسیج و می‌شود. البته صرف حضور مردم و شاید عمومی مردم نیست بلکه بر مشارکت، عدالت و برابری، انتخاب آگاهانه، کثرت، تنوع و رقابت نقش اساسی دارد.

آگاهی مدنی شرط بنیادی شهروندی است و با توجه به مشارکت فعالانه آنها در حضور مدیریتی و انتخاب از میان گوناگون تنوع آگاهی نقش بسیار اساسی دارد. دموکراسی مفهومی جمهوری خواهی نیست بلکه آن حقیقتی شرف و فضایی که در روح آن نهفته است. خود آگاهی باعث تشخیص و تمیز پیش نقش و فضای دموکراسی، شهروند و شهروند حضور و مسیر می‌گردد و بدون آن ظاهر جمهوریت می‌شود و یک دموکراسی با ساختارهای تنوع سیاسی اجتماعی انتخابی قوی‌اند. مستلزم آگاهی اساسی به شهروند و فعالیت و اهداف است. بدون این ذهنی‌ها تعدادی و سرخوردگی در مواقع، تردید و مشارکت و مردم در شهروند ایجاد می‌شود. با اطلاق کردن یک حضور آگاهانه و خود آگاهی در اصل این دانش نمی‌رود خواهد یافت.

۶- نتیجه‌گیری: پس از قرن‌ها اندیشه و نظریه‌پردازی‌ها نیز با نقش مدیریتی و نقاب و کارآمدی فرم حکومت وجود ندارد حکومت جمهوری و دموکراسی مورد اجماع همگان نیست و خیلی از متفکران با آن مخالفند و بعضاً با تمدن‌ها و کسانی مخالف آن نیستند و در این زمینه تعارض و تناقض نظری و عملی وجود دارد. با توجه به تنوع فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، ملت‌ها، اقوام و مذاهب و ...

وظایف و پژوهشها و فعالیتهای متعارف از دموکراسی و ارزشهای آن در جهان هست بنابراین علی‌الرغم تمایل جانسون به دکترین
نیکسون، ارزشهای پایه دموکراتیک و اقتدار جامعه شمول فاصله زیادی نداریم.

جمع‌بندی: دلیلی وجود ندارد که تصور شود اقدام به تأسیس و گسترش نهادهای دموکراتیک بهترین روش برای بسیاری از مردم باشد.
حکومتها صرف نظر از شکل و ساختار باید به ارزشهای اقتدار و انسانی و مدارا پرور و کارایی خود را در حل مشکلات ذهنی مشترک هستند
و پایه استدلال و دوام و زوال حکومتی باید به کارآمدی و مشروعیت تکیه کرد. مشروعیت یک بحث ذهنی و معنوی است که
کارآمدی عینی و عملی آن دموکراسی و حکومت دموکراتیک معنی پیدا می‌کند.

۳- نظریه مدیریت: مکتبها و رهیافتها

۱- مقدمه و زمینه بحث: اتحاد تقسیم است در حوزه مسئولیت مدیر با تمرکز و اعمال مدیریت امکانپذیر است. مدیریت
گرایش بین رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی متعارف از حوزه علوم دقیقه است، قوانین جامع و دقیق وجود ندارد و با شکل نمیتوان
غایت که بحث در رهیافتهای مدیریتی آموزش یکپارچه و سازمان است. موارد تباهی و رسالت اقتصادی و کارایی در امور
عمومی و سازمان‌ها و نهادهای حکومتی در نظام سیاسی

نظریه مدیریت دولتی رهیافتی علمی است برای تبیین رفتار نهادها و سازمان‌های دولتی.
مدیریت دولتی عبارت است کاربرد نظریه‌های مدیریتی سیاسی حقوقی و فرایندهایی که افراد، تا نوعی با اجرای وظایف حکومت
را بنظر اجرای وظایف نظارتی و خدماتی برای حل و فصل بخشهایی از جامعه محقق می‌سازد.
مدیریت دولتی ماهیت بین رشته‌ای است و از جامعه‌شناسی و تاریخ مدیریت انسانی و ... تأثیر می‌پذیرد.

۲- ترسیم تدریجی اندیشه مدیریت: انقلاب صنعتی و گسترش نوین کار و تولید و اقتصاد و تولید بیشتر و سود زیاد باعث ایجاد اندیشه‌های
نوآورانه (اواخر قرن ۱۸۵۰-۱۷۰۰). مفهوم اولیه مدیریت از نیمه دوم قرن ۱۹ تولد شد (جریان عصر صنعتی جدید)
آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل تقسیم کار برای بهره‌وری. و اندیشه تفکیک مالکیت از مدیریت
که کار اولین در جریان علوم علمی نشده است و باعث گردید علم پیشرفت کند.

- رهیافتهای مدیریتی — رهیافتهای اولیه: ← الف) مکتب مدیریت علمی:
/ رهیافتهای جدید:

فرار که تیلور به روش مدیریت است. او این بود که مدیریت، جایگزین روش‌های دستی کار و جلب رضایت و انگیزش کارکنان منجر به تولید و افزایش بهره.

الف) تئوری تیلور (اصول مدیریت علمی): ۱- تعیین روش انجام هر کار و طریق بهبود آن توسط دانش و تعیین مدیریت

۲- آموزش علمی کارگران اصلح برای تصدی و تخصیص آن

۳- آموزش علمی و توسعه منش کارگر.

۴- ایجاد محیط همبستگی و همکاری بین کارگران و مدیریت و نیروی کار.

تیلور معتقد به اختلاف کارگران هم جانبه و مدیریت و هم نیروی کار است. منظور تیلور (مدیریت علمی): آموزش به کارگران که بتوانند با شیوه تولید و تصدی و برخی اصول آن مخصوص انسانی رفتار کنند.

ب) مکتب مدیریت اداری (سازمان): اولین نظریه‌پرداز مکتب اصول تقسیم کار فایول که تخصص کار فایول تقسیم کار کرد. کتاب اداره صنعتی و عمومی در سال ۱۹۱۶ انتشار Administration (اداره کردن - تقسیم کردن) است و کلمه مدیریت management در حوزه تیلور فرانسه تا تخصص تولید قرار داد و بعد که در سطح کلان تا به اداره مدیریت و در نهایت در سطح سازمان بود. فایول فعالیت‌های یک موسسه تولیدی را به ۶ گروه فنی - تجاری - مالی - حسابداری - امنیتی و اداری تقسیم کرد و توجه خود را به آخرین گروه (اداری) معطوف کرد که به نحوی وظایف مدیریت مصرف است که در زمینه تولید کمتر مورد توجه است.

وظایف عمده مدیریت براساس عناصر کارکردی (فایول): طرح‌ریزی - سازمان‌دهی - رهبری - هدایت - هماهنگی و نظارت

یا ۱۴ اصل مدیریت که در زمینه و اعمال مدیریت کمک زیادی می‌کند: ۱) تقسیم کار ۲) اقتدار و مسئولیت ۳) انضباط ۴) وحدت فرماندهی ۵) وحدت هدف ۶) رجحان منافع عمومی بر منافع فردی ۷) پاداش ۸) تمرکز ۹) سلسله مراتب ۱۰) نظم ۱۱) انصاف ۱۲) ثبات شغلی ۱۳) ابتکار عمل ۱۴) همبستگی گروهی

پ) مکتب روابط انسانی: توجه مجدد به شناخت و مدیریت انسانی به تعلیم و مدیریت

۱- مدیریت منفی مکتب: التون مایو و نیوبرگ: استفاده از فنون روان‌شناسی در مدیریت علمی برای آموزش و تولید

۲- مایو: نظریه نیازهای عاطفی فیزیکی و انسانی در بازدهی کارکنان

تیلور با سرنیاز فیزیکی و ابزار توجه به مکتب مایو به سرنیاز انسانی (نیازهای اجتماعی).

مادی — روحیات اجتماعی

تیلور: کارگر مزدور — مایو: توجه به تمایل کارگران

مدیریت علمی، مکتب است که بر تکنیک تأکید و نیازهای واقعی و روابط انسانی و نگاه انسانی و نه فیزیکی به محیط کار است.

- استاد: نقش عوامل سیستمهای اقتصادی را نادیده می‌گیرد. افراط و تفریط در توجه به رضایت انسانی از کار آن است.

۲) رهیافت‌های نوین مدیریت: الف) مکتب رفتاری: تحول یافته و جایگزین روابط انسانی است و از رشته‌های مختلف بهره می‌گیرد.

این رهیافت روانی اجتماعی انتقادی به مکتب کلاسیک دارد که برای تنظیم سنتی سلسله مراتبی، وظایف ذهنی، تکنیک صنف و استاد و حیطه محدود نظارت نادیده شده بود. آنها، انتقاد از نابسامانی مکتب کلاسیک به موضع انسان تأکید و انسان‌گرا کردن فرایند اداره و نظارت و بنیان خود در جوی و نظارت را به صورت شیوه‌های تحلیلی ترغیب می‌کنند و به دو دسته تقسیم می‌گردند: و مشارکتی: از زمان به ایجاد مسائل مدیریتی پیچیده بوده و از توان فزاینده خارج است قائل هستند. آنها اهداف و به تناسب کار و توانایی و خواسته‌های متوسط: امروزی برای بهره‌برداری کارآیی و مشارکت دهی افراد به جای مدل‌های تجویزی فرض می‌کند انسان موجودی پیچیده بوده و واکنش او با توجه به محرک‌های محیط به گونه‌های متفاوت است. نقش در روابط افراد و سازمان اجتناب ناپذیر و تا حدی موجود برای تحول است. مدیریت تابع هر کس برای شان و نیاز او برخورد کند. با توجه به محدودیت عقلانیت عمل تصمیم‌گیری به دو دسته sub optimal (نیمه عقلانی) انجام می‌شود.

ب) مکتب کمی گرایی: استفاده از روش کمی و شبیه‌سازی و مدل‌های ریاضی و تبدیل متغیرها به کدهای عددی و داده است. در جهت جایی دادن گروه‌های مدیریتی برای حل مسائل پیچیده از این روش بهره می‌برند و گروه‌های تخصص عملیاتی از رشته‌های مختلف تشکیل دادند. بعد از جنگ دوم و بعد جهانی تولید شد. عمده کاربرد این رهیافت برای تصمیم‌گیری عقلانی در شرایط نامطمئن است و راه‌حل به جهت حل معادلات پیچیده و کلک شایانی برای دست اندرکاران است. این روش فقط در شرایط امکان تبدیل متغیرها به کمی امکان‌پذیر است و کمی در سازمان و در جوی تجارت روش‌های رفتاری و ... هستیم.

پ) مکتب فرایند مدیریت: این رهیافت را جامع‌نگر، کارکردی که کلاسیک می‌نامند، از ویژگی‌های مکتب ناول و تقسیم کار و تخصص نشان گرفته است. این رهیافت نوین به عقیده پیروانش مدیریت یک فرایند پویا با وظایف خرد جزئی سازمانی، استادی با دو ایده و نظارت است. تئوری مدیریت فقط منحصر به گستره‌های تجاری نیست بلکه در همه سازمان‌ها و صرف‌نظر از محیط و فعالیت کاربرد دارد.

ت ۱ رهیافت سیستمی : توجه به هر ۱ جوانب مسئله و تعامل بین توسیعی از رهیافتهای توانمند (با توجه به اینکه رهیافتهای مختلف برای یک موضوع یکسان ممکن است بر جوانبی از سازمان و مدیریت آن توجه می کنند) در سرعتها و زمانهای متفاوت است.

تعریف سیستم : مجموعه ای از اجزای بهم پیوسته که هماهنگ یک کل واحد را برای انجام هدف تشکیل می دهند. شکل سازمان یک سیستم است که متشکل از اجزای بهم پیوسته ای از هم مأموریت است حتی با افراد و دانش هم است.

عمده ترین ویژگی سیستم : در هر چرخه رشد ارتباط با سایر اجزاء نمی گردد. کل مجموعه تنها زمانی قابل درک است که اجزای آن شناخته شوند (کل نگری holism)

انواع سیستم — باز (تعامل با محیط) اجزاء مستمر شن سیستمهای اجتماعی و انسانی

بسته (فاقد تعامل با محیط) شن سیستمهای مکانیکی و فیزیکی

سیستم های باز تعامل نمودند

سیستم های بسته فرض می شود

سیستم هایی با تعامل رابطه دو جانبه و آثار جمع افزایی است.

۵- نگرش اقتضایی : این رهیافت سعی دارد با بهره گیری از مفاهیم هم بکارهای عمده مدیریت به نوعی تدبیر کارآمدی که با نگرش زندگی واقعی سازمان و مدیریت باشد. چون: تغییر و تحولات (وضعیتهای خاص) کارایی مدیریت و نفی بودن آن لحاظ می کند. بنابراین در رهیافت مدیریت خاص تر این رهیافت به برای شرایط خاص و زمان و مکان خاص و مشخص تأمین اهداف اتخاذ نمود که از تلفیق مدلهای مختلف در موقعیت و زمان و مکان خاص در پی تدبیر و خط مشی حل معضل خواهد بود. نگرش اقتضایی از مدیریت سیستمی رابطه میان اجزاء و تأثیر عوامل مختلف مدیریتی هم را می سنجد و تصمیم خود را برای آن اساس به اجرا در می آورد.

۴- فرایند تصمیم سازی و خط مشی گذاری

در فرایند تصمیم گیری و خط مشی گذاری بخشهای سیاسی و مردم در تعامل مستمر هستند به تقاضاهای عمومی و مجموعه های مختلف فشارهای حکومتی منعکس و در آنجا پس از اولویت بندی در دستور کار سیاستگذاران و برنامه ریزان قرار می گیرد. بسته به نوع حکومت و قدرت مردم در جهت متفاوت در تصمیم گیری ها نگرش می کنند. نوعی از قدرت بین دولت (حکومت) و مردم یا نخبگان وجود دارد.

نظارت، کنترل و پاسخگویی در نظامهای مردم سالار به شکلی منظم و کارآمد در تجهیز سیاسی کارآمد دارد و برعکس.

[illegible]

[illegible]

۲) تقسیم برای تقسیم سازمانی: تقسیم کار یکی از مهمترین مدیریت است. مدیر باید برای تقسیم وظایف و اختیارات به واحدها یا تقسیم منابع و سرمایه گذاری مناسب و جامع باشد. تقسیمات خود ساده و ناموزون است و نیاز به تقسیمات مجدد دارد. تقسیمات کار و تخصص و تجربه و اطلاعات است و نگرش از بررسی و مطالعه و نوعی آرزش داوری برای گزینش منطقی این تقسیم کار به واحدها هستیم. مدیریت تعارف تقسیم کار که کنار یا در وظایف مدیریت قرار دارد. مدیر از طریق وضع تقسیم کار واحدهای جزء و برای اینکه به اهداف برنامه ریزی شده تعیین می کند.

مدیر عالی موظف است برای یکپارچگی به جزئیات و نیاز مردم در قبال اهداف اصولی جامعه با رعایت ارزشهای جامعه و مدیران و کارکنان در تقسیمات اقدام کند.

در امر تقسیم کار:
- نقش مدیر در سازمان دهی (فاکتورسازی): انتخاب و تجزیه و تنظیم ساختار، نقش و وظایف.
- ... چارت سازمانی: نمودار یک محدوده و تصویر شیوه، اقتدار و تابعیت.
- ... نظارت و کنترل: تعیین معیار و مقررات برای کارآمدی در هماهنگی و رسیدن به نیازها.

- تقسیم چیست؟ به طور کلی عبارت است از گزینش از میان دو یا چند راه کار.

ویژگیهای تقسیم: الف) تقسیم مدیر در واقع برای منطق، معیارها و گزینش برای رسیدن به آثار است.

ب) تقسیم مقتضی انتخاب است از راه کارهای مختلف که در آن جزء و روش و تجربه و قضاوت وجود دارد.

ج) آثار تقسیم برای مدیر قصد و هدف مشخص جزء است.

۳- طبقه بندی انواع تقسیمها: - از نظر ماهیت و روش:
۱- تقسیم کار برنامه ای و غیر برنامه ای
۲- " " جزء و کلان
۳- تقسیمهای عادی و دو جزئی

۴- تقسیمات سیاست‌گذاری و عمومی

۵- تقسیمات شخصی و سازمانی

۶- تقسیمات جزیی و کلی

انواع تقسیم از نظر تعداد و شرایط اتخاذ تصمیم: ۱) تقسیم برای شرایط معین

۲) ... خاکره

۳) ... غیر معین

انواع تقسیم از منظرهای دیگر: ۱) تقسیم برای شرایط رقابتی ۲) تقسیم برای شرایط اضطراری ۳) تقسیم برای بحران و جنگ.

الف) تقسیم‌های برنامه‌ای که قاعده‌مند و براساس خواستگاه و روش معین صورت می‌گیرد. معمولاً مسبوق به سابقه بوده روتین است و در زمره دارای تعداد بیش تعیین شده. برای مدیر فرض چندانی نداشته و بیش از خلق، حقوق یا سود حقوق

- تقسیم‌های غیر برنامه‌ای: مدیر با مسائل جدیدی که مسبوق به سابقه نیست و یا کمتر سابقه دارد روبرو است.

روش و ضابطه از قبل وجود ندارد و لازم به تعامل، بررسی و مشورت واحد تصمیم‌گیری انتخاب از میان راهکارهای مناسب است. معمولاً مدیر کارآمد قابلیتش و کارآیی اش در این تصمیم‌گیری‌ها مشخص می‌گردد. تصمیم‌گیری مدیران به علت تفاوت در دانش، بینش و اندوخته‌های ذهنیشان یکسان نیستند.

ب) تقسیمات کلان و خرد و کلان: برخی تصمیمات از نظر اهمیت و سطح مسئله از برخی دیگر مهم‌ترند.

فاکتورهای اهمیت نسبی تصمیم‌ها: ① میزان آینده‌نگری تصمیم: با توجه به شرایط زمانی و آینده کوتاه یا بلندمدت به حال لحاظ نیز: بررسی و تجزیه و تحلیل دارند. براساس سیستم‌های پرشتاب: سلسله اقدامات و خواستگاه‌های صیانت‌محور و یک واحد سیستم

کم‌شتاب: بدون خروجی از عوامل و ارزش‌ها تصمیم‌گیری تا آخر اداره

البته دسته‌بندی‌ها قرارداری است، برحسب تمرکز و غیرتمرکز ایجاد تصمیم‌گیری کلان، اقدامات سطح پایین‌تر پایین‌تر و سازمان‌دهی و آموزش منابع و ...

بررسی‌های متناقض ایجاد می‌گردد. بیم، سیستم‌های پولی و ...

② تأثیر تصمیم بر کلکرد سایر حیطه‌ها: اثر تصمیم‌ها تنها یک کارکرد خاص یا محتاج

دارای تأثیر قلمرو هدف تصمیم خرد می‌باشد ولی اثر تصمیم‌گیری‌های سایر حیطه‌ها پیچیده و تصمیم کلان است.

۴) تقسیم غیرطبیعی: تقسیماتی که با تحقیق [illegible] و دقت [illegible] علمی [illegible] علم نقلی [illegible] مثل [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] تقسیم پذیر: تقسیم به چه معنایی اتفاق می‌افتد؟

الف) تقسیم پذیری به معنای شرطی احتمالی: منظور از شرط احتمالی این است که عمل تقسیم پذیری مشاهده یا آزمایش و عواقب تقسیم اتفاق نیفتاده باشد. البته تقسیم‌پذیری برای تقسیمات آینده، یک مشکل است که لازم است تعریف آماری و دقیق کلی برای احتمال به کار برده شود. به عبارت دیگر تقسیمات پرشمار و تعدادی مواردی با عواقب در یک زمان است. بدیهی است در آماری قدیمی‌ها عمل الوقوع تقسیم‌های مجزا را ترکیب شرط احتمالی اتفاق خواهد کرد.

ب) تقسیم پذیری به شرط رخداد (خاطره): این تقسیم پذیری زمانی پیش می‌آید که عواقب و آثار تقسیم به وقت حال پیش می‌رفت و به وسیله اندیشه‌های احتمالی به روش پذیرش آن و تعیین کرد که اندیشه حادثه با احتمال آمدن وقوع آن که هیچ تردید و تردید خطای فکر و بازی با آمدن آن است محاسبه می‌گردد.

اندیشه تمامی احتمال و تعداد برخورد = جمع اندیشه‌های عمل در دفعات تکرار آن حادثه $= P_1 x_1 + P_2 x_2 + \dots$

Out Come

مطابق تعریف دیگر پذیرش به بالای برخورد و غیر تعداد تعادلی است که در قواعد و مقدمات مجموع نتیجه تقسیم‌ها به مسئله به یکسان می‌شود. در تقسیم‌های کلان نظری پذیرش‌های استراتژیک در شرط احتمالی و آماری مطرح می‌باشد.

ج) تقسیم پذیری به شرط احتمالی: در این شرایط تقسیم پذیری نه تنها احتمالی و نه به سمت آینده یک (خاطره) همراه است بلکه شرط احتمالی است که تقسیم پذیری و احتمالات مرتبط با نتایج و پیامدها و آثار آن را محدود می‌نماید و اکثر داوری‌های نتایج بیش از حد نیست و این شرط احتمالی داوری مجزایی را به کار برد سازی و حد نیست با یک مدیر به مسائل و رفتارها و اندیشه‌های آماری تصادفی دارد. در حقیقت شرط احتمالی آماری کامل نیست بلکه احتمال رخداد با اطمینان مختلف نیست که با تغییر پذیرش به صورت احتمالی نیست اما کلان به نیم جزیی وجود دارد.

۵- گام‌های اساسی در تقسیم پذیری منطقی (خردمندانه): فرایند تجزیه و تحلیل و رفتارهای مختلف برای یک پدیده:

الف) تشخیص و تعریف مسئله — ب) ایجاد راه‌کارهای مناسب برای حل آن — ج) ارزیابی و انتخاب آثار و عواقب هر راه‌کار و شیوه‌های

د) تعیین آزمایش‌هایی که به شیوه‌ی کمی قابل اندازه‌گیری نیست و تنها کیفی آنها با پدیده‌های محتمل؛

ش) تبدیل تصمیم‌ها به راه‌کارهای عملیاتی

ه) پیاده‌سازی تصمیم.

شرح الف) تشخیص و تعریف مسئله: مهمترین گام ضروری برای برخورد با مسئله است.

به عنوان مثال در مورد ذیل مسئله مطرح می‌شود.

الف) انحراف از تجربیات گذشته در تصمیم‌گیری‌های شامل عدم‌اطمینان و ریسک‌های شرکت در فرایند مشارکت می‌شود که خود تجربیات گذشته

ب) انحراف از طرح اولیه در تصمیم‌گیری‌های شامل منظور کردن مشکلات و دلایل به بودجه معنوی و مقوله‌ها و اهداف مطرح می‌کنند که در این تأثیر از توجه می‌شود.

ج) تبدیل یک مسئله‌ای را مردم آن را حل و اهداف مطرح می‌کنند که در این تأثیر

د) تبدیل گروه‌های رقیب خردتر از اقدامات تعارض و تقابل از توسعه‌ی بلندمدت می‌کنند

بطور کلی شرکت مسائل سیاسی و بطور کلی یک موضوعات که ناشی از تقابل فرد با جامعه و حکومت است داده می‌شود.

پوپر: برای انسان خارج از مسئله بودن مسئله پرسش از خود مسئله باید شروع کرد اینکه چرا ات مسئله‌ای مسئله است.

$P_1 \rightarrow TS \rightarrow EE \rightarrow P_2$

P_1 = problem (مسئله اولیه)

P_2 = (مسئله ثانویه)

TS: trial situation (وضعیت آزمایشی)

EE: Error Elimination (حذف خطا)

این تفکر پوپر برای انسان پذیرفتنی است. زیبایی نیست بلکه سلبی است. انسان‌ها در مدیریت آینده و حداقل شرایط برای راه حل می‌گردد.

عقیده پوپر برای حل کشف: مورد متواضعی است یعنی از جزء به کل رسیدن و شروع ما برای حل مسئله نیست بلکه جستجوی علت و برخورد با خود مسئله است (صورت بندی مسئله)؛ آنچه لازم است بیشتر توجه حل مسائل سیاسی، تلفیق واقعیات علمی برای رسیدن به یک تئوری فراگیر است ولی نمی‌توان روش پوپر به جهت کاهش احتمال بروز خطا و صورت‌بندی مسئله است. بنابراین پیشرفت‌های علمی بنیادی و ذاتی مسئله اصلی به جای برخورد تعصبی با عوارض عمده و ظایف جدی است که ساده و آنگشتی هم نیست و مهم است.

شرح ب) تجزیه و تدوین راه‌کارهای پوپر: گام بعدی بعد از شناسایی مسئله تهیه شیوه‌های حل و راه‌کارهاست از این راه‌کارهای مختلف که خود کدام دارای مزایا و معایب خاصی خودش هست. در صورت فکر کردن یک راه حل وجود دارد

پس برای تقسیم تری معنی و موضوعی باید نمی ماند. سپس برای انتخاب مناسب و فاصل و انتخاب احسن یک مفهوم مورد لحاظ مفاهیم و مفاهیم را از طریق شیوه‌های مختلف (خلاقیت، پژوهش علمی، استفاده از سازمان و ...) جستجو کرده و در نتیجه بین و جزء یکی را برگزینیم. بنابراین تجربه، پژوهش محققین و متفکران در تقسیم تری بسیار مهم است. طرفداران تئوری یکی از روش‌های مفید برای تعلیمی مستقلاً و انتخاب مناسب مفاهیم تری از سایر آنها در بین یک پایان و مشکل است.

پس امروزه برای تقسیم مفاهیم، یکی از وظایف اصلی هر تقسیم سازمان تقسیم نقاط مثبت و منفی و ارزیابی مفاهیم با یکدیگر است. نقطه نظر گیری و خوب و بد مفاهیم یکدیگر امروزه به گزینش و شکل گرفته به تجزیه و تحلیل به روش‌های کمی و دقت شده‌ای فلسفی تجزیه‌ای کیفی و سنجش مقایسه‌ای و تجربی می‌گوییم.

۴) امروزه علمی سنجش شده: این امروزه به سهولت و سادگی صحت و دقت کمی می‌شود و عوامل کیفی مختلف و تحلیلی بنابراین دقیقاً و غیر قابل سنجش می‌شود.

۵) تبیین تقسیم به کار عملیاتی: ضرورت تبیین مفاهیم آن و نشانه‌ها به اصل عملیاتی و تشریح و توضیح روش و دامنه از ابهام برای فهمیدن زمینه اجرای تقسیم (تابع پژوهش).

۶) پیگیری تقسیم:

از طریق باز خورد به سیستم تقسیم تری تقسیم تکمیل و مستمراً تصحیح می‌شود.

۶- محدودیت‌های تقسیم سازی عقلانی: محدودیت‌های آدمی به مثابه منطق، عقل و منطق نیست.

۱- محدودیت زبان: اشتباه زبان و نارسائی تصویر روش از آثار و مواقف آن

۲- وجود اهداف متعدد و عدم توانایی مدیر برای کار همکاران روی آنها و مشکل می‌کردن از شیوه‌های ارتباط با همکاران مختلف

۳- عدم اطمینان از رهنمودها و خصوصیات محتمل الوقوع و شرایط سیال حاکم بر فضای تقسیم تری.

بنابراین نمی‌توان به تقسیم جزء عقلانی و منطقی دانست، بلکه در درجه نخست جنبه تجربی و عملی دارد و نظریات تقسیم هیچ است که روی به تجزیه‌ش می‌پردازند و او بنابر مبانی عقلانی و تجربی تقسیم را نه بلکه به واقع نمی‌به انتخاب تقسیمی است که (با توجه به محدودیت‌ها) که همه الگوها با تقاضا به بهانه و همخوانی داشته باشد.

دیگر مشکل که به تقسیم کار و توزیع تقسیم سازی: اختلافات ناکافی، نوع، شخصیت، اعتقادات جریان
ارتباط غیر مؤثر - زمان نامناسب.

در تقسیم کار برای کارایی افراد منتهی به اثر بخشی نمی‌شود (کارآمدی). کارایی = نسبت عددی به عدد که نتیجه کار
با توجه به این نسبت مانند است. نیروی سطح پایین به دو دسته سطح پایین می‌خواند و از طرف دیگر تیم پایین است و برای سطح بالای
کارآمدی (اثر بخشی) در فایده تقسیم کاری در جهت تکامل و اهداف سازمانی یا ملی نیاز است.

کارایی	کارآمدی
انجام صحیح کار	انجام کارهای صحیح
حل مسائل	تولید و ابتکارهای خلاق
حفظ منابع	استفاده بهینه از منابع
انجام وظیفه	دستیابی به نتایج

در روش management by objective MBO مدیریت از طریق هدف (شیوه کارآمد مدیریت جهت).
تأکید بیشتر روی اثر بخشی است تا کارآیی (تأکید روی تیم است تا فعالیت). تقسیم سازمانی نه از هدف نیست بلکه آنچه
برای مدیر مهم است نتایج حاصل از تقسیم و دانش به عقلایی از میان راه‌های متنوع و متعدد است.

۵ - حوزه‌های تعامل و خاموشی گذاری عمومی: در مقدمه از نظریه بحث: دولتی‌ها سیاسی همیشه آرام نیست
بر اساس اعتراضات به خاموشی و عکس‌العمل‌ها (حکومت) روند عادی و تحمل می‌کنند. با تکنوکرات‌ها که ضرورت دارد
تا حامی سیستم و برای مردم با استفاده از رسانه‌های ارتباطی جمعی است و تا حامی غیر مستقیم برای نمایندگان آنها. روش
متداول جریان حکومتی به تکنوکرات و مجالس مقننه برای نمایندگان حرکت می‌کند. هر کشوری مسائل و چالش‌هایی دارد که نمایندگان
و مسئولان اجرایی باید به دنبال حل آن باشند. سیاست‌گذاران در صدد حل آن مسائل نباید بررسی بهم جانبه و اتخاذ راهکارهای
مسئول، حل حرکت و بحران دارد. زمینه نارضایتی، اعتراض و انتقاد و واکنش و قیام در شرایط نبود منابع و بودجه مدیریت
و عجز حل معضلات از سوی سیاست‌گذاران وجود دارد. اعتماد مردم به آنها و کارایی در شرایط نظام سیاسی در چنین وضعیتی
مدیر مدیران قدرت می‌گیرد. در صورت عدم اقتدار و برای تحقق و تکنوکرات در شرایط دولت توانمند خاموشی پیچیده

و خلاق برای حل مسائل نیاز به اطلاعات علوم اجتماعی میان دولت و ملت انتشار و خاصیت اجتماع می‌شود.

مبانی علمی بستگی به اگر آیا برای بستگی و حفظ، مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی از روابط حوادث عقلانی و عرفی

با علم جامعه‌شناسی رابطه دولت و ملت در ۳ حوزه اندیشه‌های فرهنگی، ساختار و رفتار هدف است.

۲- جامعه‌شناسی تقسیم کار سیاسی: اگر رفتار انسان و اجتماعات با کمک به معرفت علمی و دیگر علوم و خصایص

علمی - تولید و نوآوری سرچشمه می‌گیرد، درک کنیم فهم فرآیندهای سیاسی فراهم می‌شود. جامعه‌شناسی که به مطالعه انسان در جامعه

مربوط می‌شود. جامعه‌شناس به بررسی عناصر مرتبط با وضعیت اجتماعی و اگر آیا رفتار و معرفت عادات اجتماعی است که بر روی

به دلیل وثیق علمی و کمی با تجربه و آزمون و بر روی توصیف کیفی و گاه نمونه‌ای و غیر تجربی این کار را انجام می‌دهند.

جامعه‌شناسی به دنبال گردآوری اطلاعات درباره ساختارها و مفاهیم مربوط به نقش و موقعیت طبقات اجتماعی است.

برای تقسیم کار میان دولت و ملت بسیار پیچیده و مهم است نوع رفتار گروه‌ها (آرایش‌ها و مصرف و تولید) که بر کارزار

حکومت. در علم طبقات اجتماعی کمک فراوانی به تحلیل سیاست می‌کند عوامل مانند فرآیندهای تجزیه‌ای، ملی‌گرایی

هویت، بحران مشروعیت و ... در عرصه نوآوری‌های داخلی و خارجی سیاسی را تعیین کننده هستند. نوع برخورد با بحران‌های

اجتماعی مانند بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران توزیع در مسیر کشورسازی و توسعه

سیاسی، در علم به بررسی می‌آید. این بحران‌ها نوعی همبستگی و تداخل با هم دارند. برای این امر دو راه وجود دارد:

الف) جامعه‌پذیری کردن افراد برای ایجاد وفاداری و همبستگی مردم با حکومت ب) نمایش سودمندی حاصل از حکومت

بوسیله ارزش توزیع کالا و خدمات به افراد جامعه.

افرادی چون تا حکومت با موضوع از وظیفه کارایی در ساختار اجتماعی متعلق به مسئله و خالص جزء کار برای ادامه حیات نظام سیاسی

هستند. ادعای وظیفه اساسی را به شرح ذیل تشخیص داده است.

الف) حفظ الگو: جامعه از نقش‌های مختلف و با تقسیم کار به چیزی ارزش می‌دهد برای حفظ الگوهای مشروعیت از توزیع نقش‌ها آیا در کشورها

و نقش‌ها قرار می‌گیرند جامع و لازم الاجتناب ضروری است. ۲- وظیفه فرعی برای این امر ← ۱- اجتماعی کردن افراد جامعه برای قبول الگوهای

نهادینه جهت تأمین عدالت ۲- تقسیم اجزای قرار می‌گیرد و تحول از جنبه‌ها ۳- عرضه جایی برای تحول و رفع اختلاف بحران

حفظ الگوها: طریق تقویت هویت، ارزش‌های فرهنگی و توسعه سیاسی و جامعه پذیری کمک می‌کند.

ب) کنش هدف: جامعه برای کسب اهداف مشخص، منابع و منزلت‌ها را دارد می‌کند که کارکردهای دیگر نیز بستگی به آنها موجب بروز تنش بحران می‌شود.

ب) تطبیق: جامعه برای ادامه حیات و بقا به اهداف نیازمند است. تغییر در عین ثبات است. تطبیق: این زیرسیستم‌ها بین المللی جامعه را تضمین می‌کند.

ت) یکپارچگی: برای حفظ یکپارچگی جامعه لازم است بین بخش اجتماعی و فرهنگ برای ورود به سیاسی و تزریق وظایف بقیه تجانس وجود داشته باشد و شکاف‌های جغرافیایی، قومی، مذهبی، اعتقادی از میان برداشته شود.

وظیفه نظام‌های سیاسی برای حفظ بقا (تامین الموند): ۱- جامعه پذیری سیاسی و انتخاب ۲- ارتباطی نافع ۳- بسیج نافع ۴- برقرار کردن ارتباط سیاسی ۵- تبدیل قوانین ۶- اجرای قوانین ۷- داوری قوانین (قضاوت).

۴ وظیفه اول عملکرد سیستم و ۳ وظیفه بعدی بر عملکرد سیستم است.

ویژگی روش تحلیل ساختی، وظیفه‌ای: امریکایی برای تقسیم کاربری نظام‌ها.

محدودیت و نقاط ضعف مدل: مفهوم نقش وسیع و ابهام برانگیز است و معناهای متعددی دارد و نه بعدی مشخص نظام غیر دقیق، عدم تجانس ناظران که کشورهای مختلف مشکل تعمیم فرآیندی که در جوامع به اجتماعی.

۳- ابتکارات عمومی از نهادهای سیاسی، ۳ حوزه تحلیلی رابطه میان حکومت و مردم: ۱) ارزش‌های فرهنگی ۲) ساختارها ۳) رفتارها اعتقادات فرهنگی بر مقاصد و تفاسیر قواعد، ساختاری بر سازمان‌های دارای قدرت سیاسی و بعد رفتاری تبیین تغییر افراد از پدیده‌های سیاسی دیگر عمل نظر می‌کند.

برای تطبیق ارتباط میان اعتراضات سیاسی و تغییرات اجتماعی: سوال ۱) دلیل شرکت افراد در اعتراضات اعتراضی آنها: فرضیه اصلی: اعتقادات فرهنگی، ساختارهای سیاسی - اجتماعی، استبدادهای فردی، انگیزه‌های افراد و ادراکات.

سوال ۲) درجه شرکت افراد در اعتراضات: چرا برخی افراد به اندیشه‌های مورد قبول آنها، اهداف و مقاصد، فرصت‌های ساختاری، محدودیت‌ها.

س ۳) شیوه عمل مقتدرانه (تاکتیک): انتخاب نوع

مبارزه سیاسی مسلحانه به پایان (گروه‌ها و احزاب و مخالفین به شیوه‌های مسالمت‌آمیز اقدام می‌کنند)

بسته (شیوه‌های مخفی و خشونت‌آمیز) بدون جامعه دارد.

س ۴: دولت چگونه به اعتراضات پاسخ می‌دهد؟ طریقه اکثر سازمان‌های تقاضا و مردمان تغییر مقامات؟

جلوگیری توازن عادلانه قدرت، تغییرات و ساختارها و نظام اعتراضات می‌دهی.

۴- نظریه فرصت‌های سیاسی: تبیین تأثیر اعتراضات سیاسی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و پیشنهادهای دولت‌ها.

دارایی زمینه مهمترین مولفه تأثیرگذار ارزش‌های اساسی جامعه و فرهنگ پایبندی مردم به آن ارزش‌ها است

ش اقدام و عمل کردن فقط محدود به سازمان‌های سبز نداریم.

س: بسیاری از رفتارهای خشن و سرکوبگرانه توسط دولت‌های مستبد در برابر اعتراضات سیاسی اثر مخصوص و کوتاه‌مدت دارد

و در درازمدت معترضین با تغییر شیوه‌ها جری‌تر می‌شوند حتی گروه‌های حافظه کار دائمه‌دار از مخالفت می‌کشند.

این مسئله را می‌توان مثل سرکوب‌های سال ۴۲ انقلاب ایران که منجر به انقلاب اسلامی (پیروزی) سال ۵۷ شد

مؤلفه‌های موثر در اعتراض سیاسی و تغییرات اجتماعی:

۱- ارزش‌های فرهنگی: از نگاه فرهنگ زندگی سیاسی عبارت است از یک نظام ارتباطی درباره روابط قدرت

زبان و آداب هر جامعه بیشتر ارزش‌های مشترک است که به تجربیات سیاسی معنی می‌بخشد. حکومت‌ها معمولاً از طریق

نهادهای اجتماعی ایدئولوژی و مذهب با قرائتی سعی در کسب اقتدار و ثبات و مشروعیت حکومت دارند. در کشورهای

سنتی و جهان سومی حکومت‌ها در جامعه‌ای از قدرت قرار می‌دهند و چالش با آن را انحراف از اصول تلقی می‌کنند.

آنچه ارزش‌ها بصورت گسترده نادیده شده باشد مشروعیت نظام حاکم تأمین است. در صورتی که حرام تغییر یکی از احکام

و سیستم‌های دولتی داشته باشند پیروی و دعای حاکم می‌کند و اعتراض سیاسی بروز نمی‌یابد. اما در صورت چالش مشروعیت

نظام در صورتی که ارزش‌های ضد نظام خلق و طرح شود و جامعه نیز تغییر می‌کند با مخالفان داشته باشند آنگاه زمینه

ذهنی اعتراض فراهم می‌شود و توده‌ها بهم پیوسته و به جریانی بزرگ تبدیل می‌شوند و قدرت تغییر پیدا می‌کنند.

۲- مشروعیت رفتاری: یک اصلاحات ساخت در دهه ۶۰ در فرانسه رخ داد. فرانسه (ساخت اندیشه فرهنگ) و آدرس

(روابط اجتماعی و تجربی افراد). کلود لوی استروس، انسان‌شناس فرانسوی، نوعی جامعه‌شناسی از پدیده‌های اجتماعی ارائه داده است.

(روش‌های تفهیم و تفاهم). لوی استروس در کتاب ساختارهای اولیه خویشاوندی در سال ۱۹۴۹ میلادی فرضیه‌های بنیادین خود را بر محور حیات انسان قرار می‌دهد که اندیشه از اجتماع انسان نمی‌گیرد بلکه اجتماع نتیجه فرایند فکری است و تابع را بی‌تأثیر بر فرایند ساختارهای فکری اجتماعی می‌داند.

توکویل در کتاب دموکراسی و قدرت (تاریخ جنون در عصر خرد) اندیشه فهم و تفکر مدرک مابعد را جانشین تعقل کرده و تعقل یک عصر است و عقلانیت نحوه اعمال قدرت. ساخت عمل تابع ساخت اندیشه (فکر) است. فوکو با دانش‌شناسی مرکز بحث ساخت فکری است.

نظریه منابع و آمد و نظریه‌های ساختاری بر محدودیت‌های ساختاری غلبه کند تمایل به شاخص‌های تفاوت‌های برای تفسیر اولویت می‌یابد.

بسیج سیاسی از یک سو به منابع، سازمان، اهداف و مطلوب نیاز دارد و از سوی دیگر به فرصت مناسب برای بهره‌گیری از منابع.

نظریه‌های ساختاری: محدودیت سرکوب، خشونت گروه‌های اجتماعی، رنگ نگاه‌های خارجی، گروه‌های معترض ضمن تضعیف کلی دولت ← فرض سازمان‌دهی

محدودیت‌های ساختاری: تحدید یا فشار به اعراب، سرکوب از طرف دولت، خشونت و تفاوت بین گروه‌های مختلف.

۷- انگیزه و ادراک و رفتار: نظریه‌پردازان رفتارگرا به مشخصه‌های یک افراد که گروه‌ها را تشکیل می‌دهند توجه دارند.

تأثیر اندیشه‌های فرهنگی و ساختارهای سیاسی و اجتماعی بر رفتار فردی.

اندیشه‌ها و اهداف و ویژگی‌های اجتماعی
- عاملی (Pragmatists)
- معنوی و ایده‌ئولوژیک (Purists)

افراد با اهداف و تفاوت‌های فردی نظر و رأی را از خود می‌دانند و انگیزه و اقدام ندارند. افکار بر روی تصمیم‌ها و دیدگاه‌ها و حرکت‌ها را از دولت و سیاستگذاری می‌دانند و نتیجه اقدام متفاوت است.

خلاصه بحث: رفتار انسان هدف‌گرا تابع اندیشه‌های فردی است. تأمین اندیشه‌ها در جامعه در چارچوب فرهنگ و ویژگی‌های اجتماعی (فرصت و محدودیت) محدود می‌گردد. گرایش انسان‌ها (اندیشه) با واقعیات مرجع: قدرت، دانش، ثروت، احترام، سلامت، مهارت، محبت، تقوی. همه اندیشه‌ها را نمی‌توان بخوبی به دست آورد. مبادله اندیشه‌ها و دستیابی به آنها بستگی به نوع جامعه، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و ... آن بستگی دارد.

در برخی جوامع تحولات سریع و برخی دیگر کندتر یا تغییر ناچیزی هستند. رابطه میان ترکیب ساخت و روند تغییر و تداوم آن تابع چند عامل است. نکته کلیدی چون خود توسعه تغییرهای حاصل را به عنوان مستقل (علت) و وابسته (معلول) می‌بیند.

بنیان شکل‌گیری توسعه یا تغییر مستقل می‌داند. کامل مارکس ساختار را (تاملی کارآمد در روابط تولید) که باعث ایجاد تغییر و انقلاب به سوی کمونیسم می‌داند (اگر انقلاب سوسیالیستی، جامعه پرولتری (کارگران)، بیشتر را اسیر طبقه) و رفتار توده‌ها انگیزه‌های فردی یا مستقل مناسب که کنش و رفتار ناشی از اندیشه‌های فردی را ایجاد می‌کند که باعث تغییر می‌شوند. انگیزه‌ها و اقدامات فردی و تجربیات همیاری و تغییرات رفتاری که تغییر وابسته است.

نظریه فرصت‌های سیاسی که بر روی شکل‌گیری و انجام فعالیت‌های اعتراضی سیاسی تأثیر می‌گذارد و ترکیب ساخت و رفتار در آن متغیرهای اصلی می‌باشند.

۶- خودمشکل‌گذاری و دموکراسی مشارکتی: مفهوم بنیادی دموکراسی مشارکتی = مردم باید در تصمیماتی که بر زندگی آنها مربوط می‌شود سهیم باشند. حکومت با حقوق و حمایت شخص در دموکراسی مشارکتی (انسان) در تعقیب ارزش‌های بنیادی دموکراسی دنبال تحقق مقاصد ذیل است. سهیم بودن در مسئولیت، مسئولیت، حکومت قدرت حاکم، فرد کانون قدرت و اجبار عمل در جامعه.

تأمین حقوق کامل سیاسی برای تمامی افراد بدون توجه به تمایزات است (تحقیق اکثریت دموکراسی مشارکتی).

از جهت انواع دموکراسی مشارکتی بر حق در زمینه فکر، رفاه، تجمع گرایی، دیوان سالاری و ... عملی است و شامل حق نظارت و دخالت گیرنده نمی‌شود و اکثریت مردم به رشد و توسعه لازم سیاسی را پیدا نمی‌کنند و عده‌ای با تبلیغات و عوام‌فریبی (بچه‌گان پردرس یا نخبه قدرت) تحت عنوان مشروعیت دموکراسی بر جامعه حکومت می‌کنند.

۲- پژوهش‌های متعارض از دموکراسی: از بعد مدیریت شناختی پیشین ارضی و روشی امکان‌پذیر است سرعت در رفتار او است و از سوی دیگر زمینه‌های تشکل در جامعه و دیگر موانع تأسیس قدرت مشروع و موانع متقابل عدم وجود آن است.

حق از دموکراسی مانع از هرگونه رهبرهای گذشته و تکرار دانش باشی نمی‌توانند باشد.

هر یک از نظریات جامعه‌شناسی با اقتصاد شناسی، روان‌شناسی و ... در رهبرهای رفتاری - کارکردی، ... در کتب و مجله‌های مختلف با دیدگاه بازدهی و ارزش‌ها و سیاست فرض خاص خود تغییر مشخص از دموکراسی دارند.

- ویژگی‌های قابل اجماع همگانی دموکراسی: مفهوم دموکراسی از خاستگاه واقع آن یونان باستان بعلاوه حقوق سیاسی، آزادی حاکمیت و ... بوده است، تفاوت اصولی با مفهوم دموکراسی امروزی (فرد گرایی طبیعی بر اساس آن) دارد.

۲- دموکراسی با لیبرالیسم متفاوت است که البته مترادف تلقی می‌شود.

دموکراسی در مفهوم جدید ویژگی جامعه مدنی در قالب حکومت مشروط است که بنیاد آن مبادلات حقوقی است از نظر فلسفی و بنیاد لیبرالیزم نابرابری اقتصادی شهروند است.

۳- در دموکراسی سخن است (دموکراسی مشارکتی) سخن است علیه اکثریت آگاه به تصاحب حکومت جدا شده و انتخاب اصلح مطرح می‌شود که نوع نمایندگی داده شده است. بنابراین دموکراسی مترادف حداکثر آزادی ملت یا حداکثر برابری بلکه مفهوم حداکثر مشارکت در سرنوشت خویش مبتنی بر آگاهی و برابری شهروندان است و عامل تعیین کننده، آگاهی و بینش اجتماعی سیاسی شهروندان است.

۴- معیار نمایی برای دموکراسی: الفاظ و جنبه‌های سطحی آزادی‌های سیاسی، ابزار گوناگون مشارکت ملت بلکه ارتقای علمی کیفی و کمی شرایط انسانها، ترقی‌های بدون علم تبعیض در جامعه‌ای بدون نابرابری و فقر و ... برای تعالی، ترقی و توسعه پایدار است.

۳- دموکراسی با مشروعیت و کارآمدی نظام‌های سیاسی: دموکراسی از زاویه علمی یعنی کارآیی نظام سیاسی برای مشروعیت مشروعیت امروز، ناشی از ترجیحات فلسفی دگرگون گشته و کارآمدی نظام‌های سیاسی است. امروز، مردم فرق فقر و تنگدستی را با اعتقاد به عدالت، نظم آزادی رفاه می‌دانند بنابراین ارتقای دموکراسی امروز همان عدالت، نظم و آزادی و ... و عمل است.

- از نظر هونتیگتون نحوه اعمال قدرت برای مشروعیت مهم است نه شکل آن، فضیلت سیاسی (تغییر امروزی کارآمدی و اثربخشی) مهم است.

- از نظر روسو: خود انسان دارای قدرت، حکومت مجری اراده عام در زمان و مکان معین است. قدرت حاکمه بخشی پدیده‌ای اجتماعی بر حسب ضرورت و مصلحت همگان توسط حکومت اعمال می‌شود.

- جان استوارت میل: مکتب فلسفه (سود) حداکثر نفع و خوشبختی و سعادت برای افراد جامعه با تشکیل و عمل حکومت.

- حکومت‌های مشروع ناشی از اراده ملت (برخلاف حکومت‌هایی که مشروعیت‌شان خارج از اراده بشر است) در تقابل دوم مسود لذت و با تحقق.

۴- پرادایم تسمیم و اندیشه سیاسی: پرادایم از واژه یونانی پاراگما یعنی عمل و ابتدا توسط پرس در نظریه یعنی مکاتب است.

پارسی: عقاید ما در واقع قواعدی برای عمل هستند. (بسط دادن یک مفهوم ذهنی)

دیلی، جیمز آدیکوی: تقسیم مکاتب، پراگماتیسم (عملگرایی) به جزء مذهب و [illegible] مدرن تجربی.

پراگماتیزم در ابتدا به حل معضل ایده‌های متناقض می‌پردازد و تجربه و عمل‌گرایی و کوشش برای تغییر هر تصوری به واقعیت عملی است. این مکتب بدون بحث بر روی مفاهیم مطلق مانند عقاید، مکاتب و [illegible] به دنبال ارزش‌های عملی و کاربردی آن‌هاست.

عقاید هر چیزی در مورد عملی آن نهفته است. اعتقاد به مذهب [illegible] تاثیر می‌گذارد و [illegible] فرد بر اساس عقایدش عمل می‌کند و [illegible] زندگی عملی انسان‌ها بعینه است. عین عملی انسان‌ها هدف است. تجربه، تصورات، اعتقادات، نتایج و امور واقع برای [illegible]. حتی در کشف حقیقت چه بودن عملی برای زندگی و فصل انسان شامل می‌شود. پراگماتیزم اصول و امور [illegible] به حرب [illegible] و [illegible] کرد.

جیمز: حقیقت نام هر چیزی است که ثابت کند اعتقاد به آن ممکن از حصول و حالات زندگی به طاعون بعضی [illegible] و [illegible]

پراگماتیزم حرکات، پیروی از عقل و منطق است و هم از حواس تجربه‌ای کمک می‌گیرد. حتی [illegible] و [illegible] نتایج عملی [illegible] دارد.

در تعالیم اسلامی نیز (قرآن کریم) هم باید و هم و آن دیده بود و [illegible] به حکمت [illegible] هر چیز عقل نیست.

ثروت و [illegible] عملی شخصی از حاکمیت دولت‌ها و کارآمدی آن‌ها وجود دارد و دولت‌ها و [illegible] می‌توانند با حرب تبلیغ و اعتقاد [illegible] به [illegible] و [illegible] کمک کنند.

از طرف تبلیغات منفی و تاجم از [illegible] و بیرون ملت [illegible] حیات و ادراک [illegible] بازی دارند. دولت‌های قدرت [illegible] جانی برای حفظ قدرت و جلوگیری تصویری مسخ شده از آزادی، عدالت اجتماعی و دموکراسی [illegible] و [illegible] بشار دموکراسی سوپرشکی برای مقاومت اعلی آنها و بهره‌گیری از مواجب [illegible] مسئولیت است.

۵- قطع نمایندگی و نظارت عمومی بر فرایند سیاست‌گذاری: دموکراسی از آغاز برای تأمین آزادی‌های فردی و تسهیل فرایند تقسیم سازی و نظارت عامه بر عملکرد سیاست‌گذاران [illegible] بر اساس [illegible] و [illegible] عامه در سیاست‌گذاری با [illegible] جرح و [illegible] است [illegible] شود. آرام اکثریت (اکثریت مطلق) که بر عدم [illegible] دولت در سیاست‌های تجاری [illegible] عدم کارایی [illegible] داشت. در عرصه سیاسی جنبش تفکری [illegible] بی‌کارایی و کارآمدی در عرصه سیاست و سیاست‌گذاری رابطه مستقیم با مشروعیت حکومت و مانع‌گذاری در قدرت پیدا کرده است.

پاسخ‌های متعدد به سبب کارایی و کارآمدی حکومت در برخورد با مسائل و معضلات و همچنین میزان نظارت و کنترل

عمومی بر سیاست‌های حکومتی وجود دارد که برای پاسخ لازم به شرایط متغیر و تجزیه و تحلیل سیاست‌گذاری عمومی است.

که در یک نظام حکومتی، سه نظام سیاسی، نظام حقوقی و اداری، نظام مشارکت و نظام مالی جایگاه لازم است تا بتوان موفق

و قبل از هر چیز شناخت خاصیت اندیشه‌ها و تأثیرپذیری آن از نظام بین‌المللی لازم است.

نقش و تأثیر نهادهای و وظایف توسط سیاست‌گذاران، حدود اختیارات، اقتدار و قدرت آنها، نوع نظارت و تأثیرات

و پیشگیری به انتظارات عمومی لازم است بررسی شود. از جمله: نمایندگان، وزرا، گروه‌های ذی‌نفوذ و ذی‌نفع، تأثیرگذاران

فعالان حزبی، رهبران احزاب، مقامات، مدیران، کارگزاران دولتی، رؤسای سازمان، مجموعه و دایره تصمیم‌سازی

عمومی و خیلی. بطالبه کام به کام و حوزه کردن کل فرایند سیاست‌گذاری به اجزای آن مطلب (مراحل سیاست‌گذاری)

۱- بررسی نیازها و ظهور مسئله یا معضل ۲- راه‌یابی آن به دستور تصمیم‌ها ۳- قاعده‌مندی و تجزیه‌کار مسئله

و در یک بعد دیگر:

۱- جریان انعکاس خواسته‌ها و مسائل به دستگاه حکومتی ۲- جهت‌گیری پیگیری و اقدامات دولتی ۳- تصمیم قانونی

۴- جهت‌گیری اجرا ۵) ارزیابی خط‌مشی دولتی.

۶- نقش احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ: علم سیاست با نمایه علوم سیاسی و فرضیه‌پردازی و آزمون تغییرها و احتمالات

قوی قاعده‌مندی برای پیش‌بینی و تجویزهای عملی که با ابهام تدریجی دانش سیاسی حوزه کاربردی لازم نداشته بود در حل معضلات جامعه

همراه است. تعمیم یافتن می‌توانند نسبت به این جریان‌های فکری و مباحث نظری و کاربردی بی‌تفاوت باشند.

در عرصه سیاست آحاد مردم با گرایش‌های مختلف و احزاب، گروه‌های صنفی و تأثیرگذار بر جریان سیاسی را ایجاد می‌کنند

و از آن طریق در عمل دستگاه حکومتی را به سمت تأمین خواسته‌های مشروع سوق می‌دهند.

تحلیل‌گران عرصه سیاست‌گذاری معتقدند که جریان مربوط به یک دسته عقلانی و منظم ضرورت تأثیرگذاری و حفظ‌های ذی‌نفوذ و تأثیرگذار

ضروری است. ۱) ابتکار در عین مسطح نگری شامل پیچیدگی اقتصاد با خصوصی‌سازی که فاصله بیشتری گذاران و ... و ذی‌نفعان آنها.

۲) سیاست‌گذاری در ارائه فرصت (تهدید) جدید: اقتدار و حاکمیت قانون که با شاخص آن و رقابت نیروهای جامعه

۳) جریان کند و ناکارآمدی تصمیم‌گیری و اجرا و از دست دادن بسیاری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری که باعث بحران و بی‌اعتمادی می‌شود.

۴) تغییر مکرر سیاست‌های بازرگانی، مالیاتی، گمرکی و ... و عدم استمرار و یکپارچگی اندیشه و عمل دولتمردان

۵) در چنین شرایطی در حکومت‌های دیکتاتوری سیاستمداران قدرت خود را از دست داده و اقتدار قانونی را به گروه‌های جدید می‌سپارند.

بودن لایه‌های نظام سیاستگذاری (تیم سیاستی) به ماهیت نظام سیاسی بستگی تام دارد. شامل نظام‌های اقتدارگرا اجزای خدمتگزاری‌های منجر به جامعه باز تمایلی ندارند. در شرایط نامطمئن دولتمردان و مشاوران به منافع گروه‌های اندیشه به گروه‌های مختلف و فرقه‌ها و بی‌اعتمادی جریان دارد و با رویکردی به گروه‌های ماجراجو و خاص‌خواهان و ... که در چنین شرایطی احزاب زمینه حضور نخواهد داشت و آنها در دوران بحران قانون توطئه‌ها و زد و بند و اعمال خلاف خواهد بود.

۷- نقش آگاهی سیاسی در مشارکت عمومی: در سیاست مانند اقتصاد و عقلانی بودن تصمیم‌گیری‌ها با کمک سود و ضرر سنجیده می‌شود. سیاستمداران خردمند با اقدامات سنجیده و کارآمد منافع و اهداف دولت متبوعشان را محقق کنند.

شهروند خردمند: عقلانی و دارای شعور و حق رای شخص یا گروهی را انتخاب کند که با خواسته‌ها و بیشترین خواست‌های او بیشترین همسویی را داشته باشد و از حق او دفاع کند.

اما به دلایل متعدد از جمله نداشتن آگاهی‌های لازم ادراک شهروند نمی‌شود. این عدم آگاهی باعث تطابق مواضع با جناح و حزب می‌شود و در صورت عدم تحزب رسانه‌های گروهی تعیین کننده‌اند.

فعالان در این زمینه (انگیزه‌ها و منافع شهروندان در مشارکت سیاسی) از زمان دولت - شهروندان به امروز با نظریه‌های همچون جریان سیاسی، تمرکز اجتماعی آنان، بازاری و ... و نیز نظریه‌پردازان معاصر (افت جریان مشارکت

عمده می‌توان آنها را ۵) وجود موانع و عوامل بازدارنده ۶) بی‌اعتمادی از جریانات سیاسی و عدم اثرگذاری مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های عمده توسعه سیاسی است که چون آگاهی از فضای سیاسی و کیفیت جریان اطلاعات را در فرایند تحولات مهمی نیست. درجه آگاهی سیاسی شهروندان را هم استیم؛ جریان اطلاعات و مسیرهای ترویج آن و اعتبار و اعتماد عمومی نسبت به منابع تولید اطلاعاتی دارد.

جنس اطلاعات، تاثیر، اخبار غلط باعث مشارکت غیرمفید و عدم تاثیرگذاری بر فرایند سیاسی است به عکس در صورتی جریان آزاد و آسان اطلاعات از طریق رسانه‌های گروهی زمینه انتخاب درست و عقلانی و کارآمد سیاسی شهروندان را می‌دهد.

فراوان سواد صرف، درجه آگاهی سیاسی شهروندان را هم اعتبار اداری ندارد و به علمی نظر دارد. (خلیلی نمی‌دانست) از نظام و کشور آمریکا که آگاهی سیاسی چندانی ندارند.

۸ـ نقش تبلیغات در رفتار سیاسی شهروندان: تحلیلگران سیاسی معمولاً در تبیین رفتار مردم در انتخابات (نصب فلسفه و مشارکت) فراوان آگاهی سیاسی مردم را در نظر قرار می‌دهند و آگاهی سیاسی مردم را یکی می‌دانند در حالیکه به دلیل استفاده است فراوان اطلاعات مردم مشروط و مستقیم رسانه‌های جریان ساز است که با استفاده از رسانه‌ها و اولویت سرنوشت انتخابات جا غلبه بر افکار عمومی تعیین می‌کنند. با افزایش رشد، ترجیح و تقدم و تغییر سرنوشت ملت را در جهت مورد نظر هدایت می‌کنند.

عده‌ای از مردم معمولاً توانایی و قدرت بررسی لازم را ندارند در صحت و خدمات به جریان اطلاعات اعتماد می‌کنند و برخی بی‌اعتمادی به شایعات و رسانه‌های بیگانه روی می‌آورند که این در کشورهای جهان سوم به جهت اغلب رسانه‌های غالب است که هدایت افکار عمومی با سلطه‌داری آن رسانه‌ها همراه است. بودجه‌های تبلیغاتی و هزینه تبلیغاتی (در زمان جنگ سرد و پس از جنگ) که تاثیر اوقات باعث تغییر آگاهی‌های مردم و ظهور و سقوط حکومت‌ها را باعث شده است.

مردم با اطلاعات سیاسی متوسط معمولاً بیشتر از دیگران در تشخیص تغییر (عقیده و رای) هستند. بی‌اطلاع‌ترین و باطلاع‌ترین‌ها کم و بیش با ثبات‌اند چرا که بی‌اطلاع‌ترین‌ها وقتی به تبلیغات نمی‌دهند و باطلاع‌ها به جهت آگاهی سیاسی در جریان تبلیغات قرار می‌گیرند و لذا رسانه‌ها معمولاً افراد با اطلاع متوسط را در نظر قرار می‌دهند (در موضوع قدرت گروهی و تاثیر پذیری).

برخی از تغییرهای مستقل در خصوص تشخیص آگاهی سیاسی مهم: تحصیلات، گرایشات سیاسی، در موضوع رسانه‌های پیدا و اطلاعات

فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، شاخص و تحلیل - که پیش‌بینی‌پذیر شهروندان در انتخابات در جهت مشارکت سیاسی و ... بدون کمک
متغیرهای وابسته، ثبات رأی، مداومت رفتار، هویت از حفظ و کلی سیاست‌های کلان، ت‌ص و ترجیحات عقیدتی).

ناآگاهی یکی از آگاهی شهروندان تأثیر بسزایی آنان را تحت‌تأثیر می‌کند و حساب مردمی آنان خاطره‌آمیز است.

کسب آگاهی تدریجی ثبات رأی در نظر شهروندان ایجاد می‌شود. با وظایف و قدرت انتخابات یکی مهم‌ترین و مهم‌ترین
نشان از پویایی سیاسی است که لازم است تبدیل به یک ارزش اجتماعی می‌شود. (مشارکت در انتخابات و سخنرانی)

تبدیل می‌شود. با توجه به وضعیت نامناسب غرب در کشور و کمبود فرهنگ و فرهنگ سیاسی لازم است جامع
جریان آگاهی‌سازی که باعث بی‌اعتمادی و ناهمدلی و شکاف بین مردم و دولت است و میان برداشته شود.

ناآگاهی منجر به خودسری، بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی و زمینه‌ساز بحران‌های اجتماعی خواهد بود.

۹- نتیجه‌گیری: حکمرانی دموکراتیک به شکل ساختاری نیست بلکه در عمل باید اتفاق بیفتد. بسیاری از سوالات مهم
در باب دموکراسی که تجزیه بطور متقن جوابی داده نشده است از جمله الحاقات از حکومت الزامی سیاسی است یا ترجیحات
اجتماعی و یا پیروی از رأی اکثریت؟ و ...

دموکراسی ۲۰۰ سال غرب با هزاران مسئله از جمله از جرم، تبعیض، خشونت، جنگ و ... را در آن کشورها و در کشورهای
دیگر را سلب شده است و حکومت‌های به ظاهر دموکراتیک شرق گویا نیز به علت فساد و تباهی و تهی از اندیشه‌های
می‌دهد دموکراسی فی‌النفسه فاقد ارزش عملی در دوران حاضر است مگر تطابق آن با سنن و عقاید و فرهنگ
جوامع (پایه‌ریزی بهتر به اصطلاح). دموکراسی تقلیدی نیست و شکل الفاظ و جمله‌ها مسخ شده نیست، ولی دارای
نیست. اندیشه‌های دموکراتیک جوامع با هم فرق می‌کند که اگر ضابطه‌ای وضع شده باشد اولاً جنبه عام ندارد.

ثانیاً التزام به این امر رضایت مردم و اجماع آنها در برخورداری از حقوق و شئون آنها، معادله و رفاه عمومی
و اندیشه‌های معتبر ملاک عمل است. هیچ ملتی اجازه برداری نسبت به اندیشه‌های دیگران ندارد و تحمیل دموکراسی
ارزش‌ها دقیقاً در تعارض با دموکراسی و مفاهیم ارزشی آن است و جامعه مردم تابع مفهوم دموکراسی به شکل غرب نمی‌شود

و دولتها هم علیه رضایت ملت خود و در جلب رضایت بیگانه در نظر داشته باشند.

۷- خط مشی گذاری و سیاست عمومی:

مقدمه: زمینه بحث: سیاست عمومی به مطالعه کنش گروه های سیاسی، نهادها، ملتها و نظام بین المللی می پردازد.

سیاست عمومی در سطح سیاست کلان (ماکرو) یعنی سیستم های اجتماعی و سیاسی مطرح است و معاکیه رفتارگرایی در سطح خرد.

دیسیپلین به تئوریهای کاربرد تجربی و تحلیل و تحقیق در سیاست چه کمی چه کیفی. دیسیپلین به نظریه تجربی از طریق آزمون فرضیه ها

نه تنها این نظریه تجاری یا اقتصادی (آنچه که هست نه آنچه باید باشد) البته تئوریهای انتزاعی مورد نظر است

پژوهشهای کمی در سیاست ماکرو به طرق ذیل در دسترس به نظریه های تازه یاری می رسد. ۱- کشف پدیده های منظم سیاسی

(تعمیم توصیفی) ۲- آزمون فرضیه ها در قالب گزینه های سیاسی در پدیده های منظم.

برای آزمون نیز به پارادایم (شاخص) داریم که عبارت است از مجموعه اندیشه ها و راههایی که علم و تحقیق علمی را

سامان و جهت می بخشد، که البته در علوم سیاسی پارادایم مسلط نداریم که سود و تفاهم و معقول ایجاد می کند.

در سیاست عمومی عمدتاً بر روش استقرایی (از کل به جزء) عمل می کنیم. البته در هر دو زمینه ها تجربه بدون دانش از فرضیه

و دیسیپلین فاقد نیستیم. سطح خرد (میکرو) و کلان در سیاست عمومی مکمل هم هستند.

۲- روشهای کمی در سیاست: در سیاست عموماً با عبارات توصیفی و کیفی و نسبتاً انتزاعی و فلسفی سروکار داریم که برای

واژه های مطالعه در امور سیاسی درک آنها مشکل است و برای کمی شدن تغییر و تغییر می کنند ولی اجزاء تفاوت و ابهام

باعث سیاسی با صرفاً توصیف کمی به ما می کند. مثلاً برای مدیریت در جامعه سیاست شخص این است که چه چیزی شخص می باشد.

بطور کلی هر عمل سیاسی مستلزم هزینه و دیالکتیک است (با کمترین هزینه ایجاد نتیجه مطلوب). مثل تفکر اقتصادی، انسان در هزینه و فایده.

بنابراین در علوم سیاسی پس از مطالعات آزمایشی با مشاهده کیفی، تجربی به مرحله رفتاری و کمی (تفکر ریاضی اقتصادی) می رسیم.

دو دلیل فراکمی: تعامل انبوه داده ها و متغیرهای روش خرد های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... بطور مستقر که بدون کامپیوتر

امکان بررسی آنها وجود ندارد. برخی تئوری کمی با تبدیل مفاهیم کیفی به اعداد و ارقام است مثل رفتار عقلانی سیاسی در شخص سیاسی

الگوی سیستم‌ها و خرده سیستم‌ها = اقدامات سنجیده برای تأمین اهداف و منافع جمعی در محدوده قلمرو سرزمینی

شهروند خوب = فرد نافرمان، فردی که از خود توقعاتی دارد و از حقوق خود دفاع می‌کند.

کارکرد سیستم اقدام خردمندانه: ۱) سنجیده بودن رفتار عقلانی ۲) عدم دخالت عوامل و داده‌های محدودکننده

۳) عدم موفقیت به علت فراموش کردن داده‌های محدودکننده

- رفتار عقلانی در سیستم‌ها با شهروندها قابل تقسیم نیست به جهت آثار و ابعاد مترتب بر آن.

شهروندان صرفاً رفتار سیاسی خود را با اهداف و منافع فردی تطبیق می‌دهند. اما سیستم‌ها این عقلانیت را ندارند.

تا این عقلانیت الزامی سیاست‌های است که در همه جا و احوال متغیر نیستند ولی این کار برای تقسیم کردن است

یعنی همه ابعاد یک واقعیت از نظر کارکردی بر پدیده‌های اجتماعی سیاسی است که سیستم‌ها و نظرات آن موفق نیستند

علی‌الرغم اینکه پدیده‌های سیاسی پیچیده‌تر از آن است که تقلیل به ارقام و اعداد شود ولی توجه می‌کند که روش قابل استناد

کردن و تقسیم لازم است علت و معلول و همبستگی متغیرها مشخص شود.

۳- روش آماری و پژوهش عملیاتی: یک رابطه تاریخی بین علم آمار و علم سیاست وجود دارد. از اواسط دهه ۱۹۶۰

محافل دانشگاهی غرب استفاده از ریاضیات در تجزیه و تحلیل سیاسی را مورد توجه قرار دادند. امروزه سیاست سنجی شاخه اقتصادسنجی

خیلی در تجزیه و تحلیل سیاسی کشورها وارد شده است. سیاست سنجی استفاده از ابزارهای آماری و ریاضی برای درک روابط علت

(متغیرهای زمینه‌ساز) و معلولی (حوادث سیاسی) است.

در قرن هفدهم ویلیام پتی انگلیسی مقاله (حساب سیاسی) را منتشر کرد. یک آلمانی به نام هرمن کونرینگ (علم آمار دانشگاهی)

را پایه‌ریزی کرد. این دو کشورسازی علاقه داشتند. در قرن ۱۸ شاخه‌ای از دانش سیاسی که به ارزیابی قدرت نسبی چندین

کشور در زمینه‌های امتیازات طبیعی، جغرافیایی و ... می‌پرداخت تحت عنوان علم آمار دولتی شناخته می‌شد. تا قرن کشورها و قدرت سیاسی

(رابطه علت و معلولی) محاسبه و حتی پیش‌بینی پدیده‌های آتی، رفتارها و اقدامات آتی برای اهداف ملی آغاز می‌شود.

روش کمی در سیاست بکارگیری شاخه‌ای از مدیریت است که با استفاده از آمار آینده را پیش‌بینی می‌کند. مدیریت ماهی بعضی نفوذ است

مثال: گوبلز با سیاست سنجی و تکنیک تبلیغاتی باعث پیروزی حزب نازی آلمان شد. پژوهشگران و دانشمندان با استفاده از توصیه آماری

دوره تخصصی با پرورش شد. پژوهشگران مدیریت سیاسی به دنبال پژوهش عملیاتی، معادلات خطی و دیگر تکنیک‌های
خطی استفاده می‌کردند. تئوری بازی‌ها توسط ریاضیدان و دانشمند آلمانی و آمریکایی در توجیه بازی‌ها و تعیین و تبیین می‌کرد.
در سال ۱۹۴۰ یکی از علوم بزرگ و آمدن انتشار لیوسیون در جنگ اول جهانی و پژوهش عملیاتی جزئی از برنامه‌ها و بازی‌ها می‌
می‌آمد. در جنگ جهانی دوم علی‌الرغم پرورش اولیه آلمان‌ها بر انگلیس و متفقین علمی و علمی به جای نقطه ضعف هر چیز
و اقوامی قدرت سازمان‌دهی ارتش انگلیس با فرستادن نخبه‌های ریاضی، ریاضیات و پژوهش‌های جنگی در دفاع توفیق یافتند.
امروزه بسیاری از فعالیت‌های پیچیده که انسان در پیش رو دارد حجم زیاد و پیچیده و گسترده‌ای انجام می‌دهند به طریق شبیه‌سازی
تجربه و آزمایش و ارزیابی و پیش‌بینی می‌کند که با استفاده از کامپیوتر انجام می‌شود. مثل طراحی جنگ که در آزمایش نظامی کاربرد دارد.
استفاده از تکنیک‌های پیشرفته مدیریت مدیریت کلک شانسی به تفکر و اراده، امور عقلی و ریاضی می‌کند که آثار آن می‌دهد که یک
نوع گرایش به تمرکز غیر متعارف قدرت در سازمان بوجود آید. ولی هم حجم از اتفاق‌های بیش از حد به موشک‌های کمی و ریاضی کمی است
قوه ابتکار و خلاقیت و [illegible] انسان‌ها بخش و بیش بیهودگی و خود بیگانگی در سازمان شود. که راه حل آن اهتمام برای بین
به یک توازن ظریف بین انسان و بیش است.

۴- علوم سیبرنتیک در مدیریت بررسی: نظریه زیربنای علم اداره، سیبرنتیک یا اصطلاحاً علم ارتباطات است.
در مدیریت علوی سیبرنتیک عبارت است از مطالعه سازمان‌ها به عنوان نظام‌های متشکل از انسان و بیش که استمرار حیات
و تعادل خود را درون ارتباط و تبادل هستند. علم سایبرنتیک توانایی مفهوم مستقل نظری و دیدگاه اداری ماکس وبر است.
اداره امور عبارت است از جمع‌آوری و تبدیل اطلاعات به عمل و فعالیت. این فرآیند نیاز به تقسیم‌بندی عقلانی برای پاسخ
جمع‌آوری و تبدیل اطلاعات دارد که علم سیبرنتیک کمک می‌کند. طرح ریزی استراتژیک و عملیاتی و برنامه‌های کوتاه‌مدت زمانی و عملی
نیاز به ابزار اطلاعات که بر روش مستقل قابل تجزیه و تحلیل نیست دارد. اعزام به شاه و دستیابی قدرت اتم از هیچ طریق است.
برای کنترل خود کامه‌ها نیازی فراتر از این علم و آن اطلاعات و تقسیم سیاسی دارد. برای تحقیق بار در سال ۱۹۴۰ در سنتاری
در دانشگاه ۴۰ دارد اصطلاح سیبرنتیک بکار رفت که به مسئله مشترک خود دانشگاه‌های تخصصی بود که لازم به ارتباطات
کنترل با پیشرفت‌های آماری در یک کلام انسان و بیش در محیط اجرایی بود. (شبکه ارتباطات به شاه مسلم اعضای بدن انسان).

وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا (۱۹۴۷): تقسیم یک سیستم از نظام سیستم‌های (چندوجهی و یکپارچگی)
که برای تأمین کنترل اعمال خود چیزی عمل می‌کرد انجام داد. [illegible] سیستم و [illegible] (تغییرات) [illegible]
تطبیق با منابع اطلاعات هدف برای دستیابی به تعادل.

قوانین مدیریت آن امروز برای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و کنترل و هماهنگی رابطه بین آن - باشی [illegible] با اهداف
تحقیق که [illegible] داده و اهداف (تعادل) Symbiosis می‌نامند.

- امروز علم سایبری و سیستم حوزه اختصاصی به موجب تقسیم بندی دولتی زمینه تواتر علمی و تحقیقی و فراهم آمده است تا این علم [illegible]
هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را وجهی جهت قرار نداد و [illegible] اقوامی [illegible] جامعه [illegible] و [illegible] اقتصادی
هنجارهای نیز بنیادی و فلسفی شد. این آمیزه [illegible] در مباحث جامعه (سیاست گزاری) با [illegible] گسترده در جوامع
پیشرفته و شکل‌گیری کشورهای عقب افتاده، جای تأمل فراوان دارد که ناشی از کم رنگ شدن فلسفه سیاسی در جوامع
تولید سیاست و تئوری‌های سیاست می‌دانیم که علی‌الرغم ایجاد کارایی مادی در سیاست و اقتصاد [illegible] معنوی تحت الشعاع
قرار گرفته که خلأ دفن تمدنی در کشورهای تابع می‌بود و لازم به توجه به نیازهای معنوی آن دارد.

۵- فرایند پژوهش در سیاست شبکه‌ای: با توجه به عصر اطلاعات رهیافت گسترده اطلاعات روش و تجزیه و تحلیل [illegible] آنها
در دانش اکسپرتیک بررسی می‌شود. این فرایند دو شناخت است: ۱- شناخت سطحی با جوری همگانی ۲- شناخت علمی
با تجزیه و آزمون و دستیابی به قانون ۲- شناخت فلسفی (تعقل و استدلال).

تکامل شناخت تا پردازش اطلاعات حاصل می‌شود. پردازش عبارت از جمع‌آوری، طبقه‌بندی، تدوین و تنظیم، خلاصه
محاسبه، مقایسه و تحلیل و [illegible] اطلاعات است. دانش اکسپرتیک بررسی روش و [illegible] پردازش و [illegible] اطلاعات
با هدف اقوامی شناخت (آگاهی) و نظم سیستم‌هاست.

توسط اطلاعات و [illegible] اطلاعات
اطلاعات ← پردازش ← استنتاج

کامپیوتر و [illegible] زمینه ابزاری بسیار خوب است.
اما بهترین ابزار نیاز محتاج تفکر، خلاقیت و تجربه است.

- مراحل مختلف حل مسئله (ساده، پیچیده و [illegible]):

۱) شناخت مسئله ← الف) داده‌ها، موضوعات مسئله و نتایج حاصل از آنها
ب) مجهولات مسئله چه می‌باشد (جستجوی چیزی)
ج) ارتباط بین داده‌ها و مجهولات

۲- طرح نقشه حل مسئله ← شیوه‌ای که نشان می‌دهد که برای تفکر منطقی و سیستمی از تفکر خلاق استفاده می‌شود

شیوه الگوریتم: عددی که بعد از اجرای عملیات ریاضی (ساده و فوری، عملی و غیر تکراری)

منظم کردن مراحل و روش تفکر منطقی با الگوریتم آغاز می‌شود. در تحلیل مسئله تکنیک دقیق و جزئیات

۳- تحلیل و حل مسئله (ایجاد، بررسی، تصمیم‌گیری حل).

قرار بر حل طرح حل یک مسئله (خواندن یک متن یا سیستم)

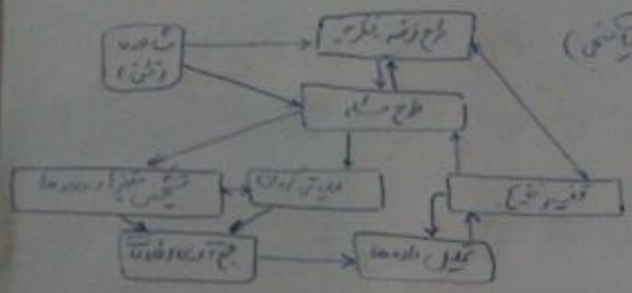

الف) مرحله طرح مسئله: اولین گام (مرحله اول)
(طرح دقیق مسئله)

(توصیفی، تبیینی، هستی‌شناسی)

مدل‌های توصیفی (مثال از حقوق، اقتصاد، تغییرات آب و هوایی، رابطه اعراب، شیوه‌ها، آموزه‌های اجتماعی، وجوه مشترک و ...)

مدل‌های تبیینی (رابطه علت و معلولی مثال از حقوق مثال رابطه استرس، حقوق، دلایل ایجاد بحران و حقوق)

سوال و فرضیه اصلی به دنبال خود مدل‌های فرعی می‌آورد. لازم است با الفبای مقدماتی دوره‌ها به وضع آشنا باشیم

بنابراین مطالعه در مراحل مختلف قاعده مشخصی ندارد. مدل‌های توصیفی و تبیینی (چرخه‌ای) قابل درک و تبیین به دنبال آزمون و تعقیب هستی

حقوق است و الگو نیز هستیم

ب) مرحله تشخیص متغیرها و عملیات کردن: در این مرحله متغیرهای مرتبط با پدیده جمع‌آوری و به شکل ماتریس می‌آید.
(مرحله دوم)

کمیت‌های مورد مطالعه در مدل‌های انتقی و متغیرهای دخیل و تابع و در پدیده‌های مختلف (تشخیص متغیرها) و ثبت

اطلاعات در جا در دو ردیف عمودی ثبت می‌شود.

متغیر عبارت است از یک کمیت یا ویژگی یا خصوصیت یک چیز که می‌تواند مورد مطالعه تغییر کند مثل قدرت

ضرب سیاسی که آیتی است کمی است یا داده‌های یا شبیه هم باشد مثل تعداد احزاب سیاسی که از ۰ تا ۲۰ سال متغیر است.

در مرحله بعدی (سوم): داده‌ها یا فضای مورد با هر متغیر جمع‌آوری و تنظیم می‌شود

گزینش متغیرها بر حسب تقدم و اهمیت و اولویت می‌باشد

[illegible] هدف آزادی و رشد حقوق بشر و آزادی آن بر حسب چه چیزی [illegible]

لازم است که نوع اطلاعات تان تبدیل و آماده به کمک ببرید (تبدیل و آماده)

۲- طراحی متغیرها و ابزار سنجش: — تعریف مفهومی: خود مفهوم را به شکل قابل فهم ترجمه اداری کند.

/ تعریف عملیاتی: مجموعه سازی و تعیین فاکتورها شامل پرسش اقتصاد و درآمد سرانه

یا دلیل، برای توکیه، اشتغال و ...

یا در متغیرها یا ابزار اطلاعاتی عقلی داریم معمولاً.

۳- هر شخص سازمان نیاز به خلاقیت دارد. وقت، عقل و سعت جمع آوری اطلاعات یا در تمرین تعلیم بدهد.

پ) مرحله جمع آوری اطلاعات: مورد آوری اطلاعات از منابع مختلف روزنامه - بانک‌ها - اینترنت - کتابخانه و اطلاعاتی و ...

در ادامه دسته‌بندی و تنظیم اطلاعات و تبدیل اطلاعات توصیفی به کمیت‌های عددی (کد) است. در علوم سیاسی اطلاعات معمولاً

غیر قابل اعتماد هستند.

ت) مرحله تحلیل و تفسیر: آزمون داده‌های اطلاعات. و ارتباط بین متغیرها و تأثیر آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

با استفاده از آزمون‌ها و تکنیک‌های آماری و کامپیوتر چه‌ان تأثیر و همبستگی و سوگیری و ... سنجیده می‌شود و موجود غیر

موجود بودن اعداد دلیل همبستگی نیست و باید بین بعضاً ضرورت بازنگری در نتایج را ایجاب می‌کند.

محقق معمولاً با مقام بشر معمولاً به نتایج همبستگی مورد آزمون (فرضیه) و با طی جستجوی مجدد همبستگی است.

لازم است به نحوی مراحل نه بصورت تسلسلی بلکه نظام‌وار در علوم انسانی و سیاسی مورد پژوهش قرار گیرد.

۵- انواع روش‌های ریاضی را تقسیم می‌کنیم: با حدود روش‌های کمی و ریاضی قضایا مربوط به نحو مطلوب و بهینه اتخاذ شده و اجرا کرده

عقلانیت رفتار و مطلوبیت نتایج با درایت علمی و پژوهش علمی و تحلیل سیستمی در تصمیم‌سازی‌های کلان گروه‌ها برجسته آمد

ولی عقلانیت صرف نیست به سبب چند شیوه‌ها و کارایی که نتیجه مطلوب (تسلیم ترانس) بود ولی به چه قیمتی آیا یک انسان ...

و یا مراتب وحشت در هند سر و در ادامه کشورهای دیگر مثل خاورمیانه - بشبه جزیره هند ...

ریاضیات و روش‌های کمی می‌توانند قانون‌های حاکم بر طبیعت و جامعه را کشف و ابداع و استنتاج نمایند. ریاضیات هم

[illegible] پیش بینی آینده و تعیین مدل‌های آینده و قطعیت، با استدلال و عدد و رقم

۷- خلاصه بحث: کشف حقایق و پدیده‌ها آن‌گونه که در پشت پدیده‌های متنوع و پراکنده جهان اند در این مکتب و
دیدگاه علمی است. تمام دیدگاه‌ها و روش‌های مستقل علمی که برای بررسی رفتار می‌رود — برای تسهیل، توجیه و پیش‌بینی
رخدادها بکار می‌رود. موقوفات پس از آنکه و الزام و عدم اطمینان و غافلگیری است و تفاوت علمی بودن
به صورت زنجیره‌ای تاریک و روشن و حداقل اعتماد و تفس پدیده‌ها به معضلات را افزایش می‌دهد.
سپس تسجیل و روش‌های موضوعی یا مشکلات اقتصادی است ولی در حل معضلات استراتژی و تصمیم‌گیری معقول یاری می‌دهد.

۸- تقسیم‌بندی و خلاصه‌ای از مدل‌های مدیریت:

۱- مقدمه و زمینه بحث: تلاش‌های نظری پردازان جهت تشخیص نشانه‌های نظری و اجرایی در جوامع بوده است و تجربه‌های نیاز از
تدارک‌های سازمان‌ها و تقاضا در کشورهای پایه‌ای موقوفه‌ای و ظرف زمینه‌ای نظریه‌پردازان بیشتر سعی کوشش‌های بوده
حتی در آمریکا بعد از جنگ (سوم و دوم آمریکا) جایی ندارد.

اندیشه‌های نظری پردازان مختلف موقوفه در اطراف پدیده‌های بحرانی شکل گرفته است. اندیشه‌ای (پردازان مدیریت)، دیدگاه‌های (پردازان ثبات)،
توسعه‌ای هایس (پردازان آموزشی)، اجتماع کلاک (پردازان سازمان)، ادوارد کرک (پردازان نهادی)، مارکس (پردازان سرمایه‌داری)
و دیگر (پردازان اخلاقی).

درک ابعاد فنی اجتماعی با پیشینه‌ای از فعالیت‌های انسان و نیازهای او در ارتقای اجتماعی مرحله‌ای می‌کرد. عوامل عامل بر فنی و اجتماعی
طبیعی و مصنوعی در دو سطح فردی و اجتماعی جمع‌بندی می‌شوند. عامل طبیعی بر انسان خارج از قدرت بشر است مثل حوادث، حیات انسان
در خصوص برادری، عوامل رفتار و نهاد اجتماعی کردن موجودات می‌باشد، مثل مدیریت بر انسان و مردم رفتاری صلح شده است.

ایران آمدند، کمتر فلسفی و موضوع داریم که اصلاح شود، بیشتر در حال بررسی (نقطه چرخش) تمدن بسر می‌برد.
برخی‌ها مرتباً موجب درک و پیچیدگی می‌شوند، تغییرهای آن برای آنها و تبیین‌های تمدن و حتی تمدن تبیین و مشکلات طرح
نظری‌ها جبری است. امروزه سیاست‌های مستقل مجموعه در دو دیدگاه جایگاه‌های نظری‌ها موقوفه نظریه‌پردازان تبیین و خلاصه‌ها را ساختند
بنابراین ردیف نظری‌ها در سلسله مشاهدات لازم است که در حقیقت واقعی در آن تقاضا خواهد بود.

۲- تعریف بحران: روش‌های تقسیم‌بندی سیستمیک: بحران از طرفی [illegible] و ناشی از [illegible] است.
توانایی ذهنی [illegible] حقیقت [illegible] در [illegible] است. بحران [illegible] ادراکی است
و بحران را [illegible] خاص آن تعریف کرد. تخصص علم سیاسی بحران به روش (روش‌ها)
معنی می‌کند. ۱- روش تقسیم‌بندی و کم و [illegible] که [illegible] تقسیم‌بندی [illegible] نظر است.
روش‌شناسی (روش)، مجموعه اهداف و [illegible] تقسیم‌بندی [illegible] (شورای امنیت) برای بحران عمل هستند.
۲- روش سیستمیک: بحران نوعی است که تغییر [illegible] یک یا چند قسمت از متغیرهای سیستم [illegible]
سیستم یعنی است نظام ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. بحران نزد [illegible] است. بحران [illegible] است.
بحران پدیده‌ای ادراکی است. بحران شامل فرد واقعیات است. فرد (سطح خرد)، جامعه (سطح کلان) که در شرایط بحران
از شما، تابع و عضوی مهم [illegible] قرار گرفته باشد. ادراک و شناخت ما از بحران مستقیم به بحران تجربه‌ای که حس می‌کنیم و
بینش و آگاهی ما در مورد وجود یا وقوع بحران است. وضعیت‌های بحرانی در واقع تابعی است از ادراک و بینش ما از واقعیت‌ها که
نفع و آینده و آرمان و توان و فرصت مقابله با پدیده بحرانی است و تدبیر منطقی در شرایط بحران [illegible] ما را
شکل می‌دهد. صورت بحران در چنین فضایی معنی پیدا می‌کند یعنی آرمان‌ها و ارزش‌هایی که ما را در شرایط
بحرانی کمک کند برای مهارت و بینش ما را در جهت اولویت‌ها تعریف می‌کند و تسلط می‌دهد. لازم نیست که
[illegible] بحران آشنا باشند در یک سطح. ولی [illegible] جامعه در سطوح مختلف حداقل لازم است. برخی [illegible]
کلی، تدبیر بحران آشنایی نسبی داشته باشند. با توجه به تحولات عصر ما [illegible] عصر [illegible] دولت و [illegible]
نرفتند که در سیر علم و دانش و تجربه پیشرو باشند. آلوین تافلر: [illegible] آخر [illegible] زنده و قدرت [illegible]
آن کسانی است که دانا ترند. تشخیص‌های متفاوتی از مسئله با نوع نگاه خویش بیانیم یا به بیانیم به [illegible] و جامعه و حکومت
به دست می‌آید. هابس (انسان [illegible] قدرت [illegible])، [illegible] (انسان عاطفی)، [illegible] (انسان [illegible])
مارکس (اعتقاد و نفی مالکیت خصوصی)، ارسطو (انسان و جامعه مدنی).
برک (لیبرالیسم) عصر [illegible] عالی [illegible] می‌فرماید)، توماس پین (نادانی را [illegible] می‌آمد [illegible] است)
او حال [illegible] را [illegible] می‌دانست.

پس: علت نابسامانی جامعه است

تشخیص علمی بحران نظمی چگونه است؟ ←

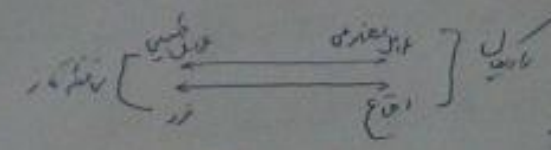

عوامل محیطی: اقتدار بشر خارج است
و انتظارات نظام سیاسی از آن عوامل

مستقل منظور دارای تعقیل بحران (اصل اندیشه).

در این آموزش جامعه‌ی بحران‌زده یک مورد تسلسل
و بخش‌های مختلف جامعه بررسی و تحلیل می‌شود.

با مسائل عام جامعه چه مسائل فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اندیشه، اصل، وسیع، نوع تجدید امکان‌پذیر و متنوع بحران است

البته به علت قدرت‌های و ادراکی بحران حدود و نقوش آن مشخص نیست.

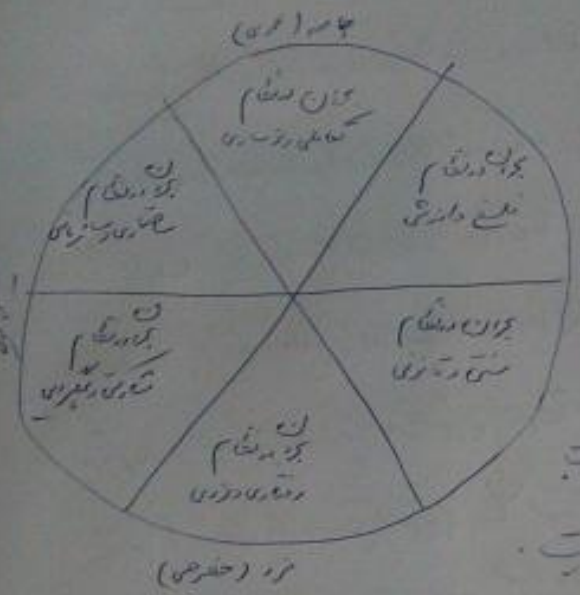

البته مدل نمایشی است و همین است
که شرایط یک جامعه و به توالی
اتفاق نیفتد

- اختلال در نظام مشروعیت و اندیشه ← بحران مشروعیت یا اعتماد و اقتدار.
- اختلال در نظام مشارکت و تمایزی ← بحران نهادی و نقش.
- اختلال در نظام رفتاری و فردی ← بحران هویت و فردیت.
- اختلال در نظام مشارکت توسعه و جهت‌گیری جامعه ← بحران مشارکت و کیفیت‌گیری.
- اختلال در نظام سیاست و مشارکت ← بحران نقش‌ها و ارتباطات
- اختلال در نظام کمالی، توسعه و نوسازی جامعه ← بحران توزیع و زمینه‌ساز حدوث سایر بحران‌ها

بسیاری از بحران‌ها در پی همگرایی جوامع و ارتباطات ناشی از تغییرات ساختاری است. در این شرایط و تغییر، بخش‌های جامعه است اگر
تعادل نظام سیاسی - اجتماعی چنان مختل شود که امکان بازگرداندن به وضع اولیه نباشد، ترتیبات مورد جواب جدید بود

و تغییر به وجود می‌آید ولی نظم تعادل تغییر و بحران (بحران‌زدایی) کجاست که در این عقلانیت و کمال علمی لازم است استمرار
بحران‌های گوناگون و غیره در جلوگیری از بحران تبدیل تخریب (بحران) زیست محیطی در بحران سوم.

اختلالات بحران را چه در سطح فرد یا خانواده، یا جامعه و حکومت بوجود آیند بصورت زنجیره‌ای بخشهای دیگر را تحت تاثیر قرار خواهند داد.

۱- بحرانهای مرحله گذار: بحرانها هم می‌توانند مثبت و تحولات اقتصادی اساسی و هم معلول آن تحولات باشند از دیدگاه توسعه دارای معانی مختلف باشند. اگر در فرایند توسعه بخشهای از جامعه به حرکت ثبات و تعادل خود را از دست بدهند با بحران مواجه می‌شویم. این نظریه که توسعه یک تئوری می‌باشد در جامعه است که در این باره محمد توجه اندیشمندان بوده است.

افلاطون در توسعه جامعه اهتمام را توجیه می‌کند. ارسطو پیشرفت روش فنی را مفهوم می‌داند. در قرون وسطی توسعه و ثروت اندوزی را رفتاری گناه آلود و غیر متمدن بشمار آورده‌اند.

در مرحله گذار به توسعه به دلایل اختلافات عمومی و اجتماعی، طبقاتی، نژادی، زبان، فرهنگ، مذهب و عدم تجانس از بهره‌گیری از مواهب توسعه زمینه ایجاد تنش فراهم می‌آید. خشونتها و تظاهرات شکل می‌گیرد که اگر اینگونه حوادث با تدبیر (ترغیبی، ارعابی یا تلفیقی) درمان نشود بحران تبدیل به شورش و انقلاب می‌شود.

لوسین پای در کتاب جنبه‌های توسعه سیاسی: اگر کشورها در مسیر تغییر با تنش بحران‌های جامعه مقابله کنند جریان توسعه آنها آسان خواهد بود.

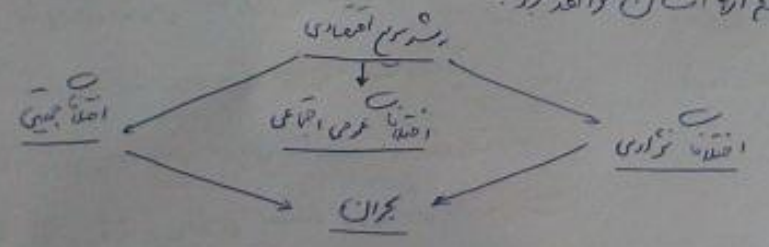

رابطه ساده تنش و بحران سیاسی در رشد سریع اقتصادی

- شورشی سازمان یافته: بحران در جامعه در فرایند توسعه:

۱- بحران هویت: تجانس و همگرایی فرایند تداخل متقابل زندگی اجتماعی و ساختارهای سیاسی و عمومی

۲- بحران مشروعیت: ترتیبات و دستگاههای حقوقی و رسمی در قالب اقتدار حاکم مورد پذیرش و استفاده و همگان قرار گیرد.

۴- بحران نفوذ: درک متقابل ملت و حکومت از مسائل و نقش‌های اجتماعی، ایجاد مشروعیت، نهادینه‌شدن و مداومت سیاست

۵- بحران توزیع: رضایت توده‌ها از کارآمدی نظام در توزیع عادلانه از منابع و امکانات جامعه و جلوگیری از بی‌عدالتی

۶- بحران یکپارچگی و همگرایی: با فیصله بحران‌های نوبت به نحو مطلوب این بحران حل می‌شود.

به عبارت دیگر هر نظام سیاسی می‌تواند بحران یکپارچگی و وحدت ملی را ثبت سرنوشت دارد، در واقع به مرحله و شکل‌گیری احساس اعتقادی به سیستم و ارزش‌های دموکراتیک جایگاه خود را در جامعه پیدا کرده است.

فساد و تباهی سیاسی (ساموئل پاتیلیون): اگر جامعه نتواند در فرایند توسعه با بحران‌های مشروحه (بالا) مقابله کند و در مرحله گذار دگرگونی‌های حاصل از آن شود، به وضعیت فساد و تباهی سیاسی دچار می‌شود.

در راه نوسازی و توسعه سیاسی تعدادی همه جانبه و آگاهانه برای دستیابی به نظم و وضعیت جدید ملت‌سازی، کشورسازی با نوسازی نیروها در گونه الگوی جدید عمل می‌دهد:

الف) الگوهای همگرایی و نفوذ که تنش‌های ناشی از انفکاک و تجزیه اجتماعی را تنظیم و کنترل می‌کند.

ب) الگوهای جدید مشارکت و توزیع منابع که افزایش مربوط به علایق جویی و مساوات را تأمین می‌کند.

نوسازی پایی: در چارچوب سوم الگوی توسعه و نوسازی جامعه بستگی زیادی به ترتیب توالی و پیدایش بحران‌ها و راه‌حل‌های تدبیر آنها دارد، در نظام‌های سیاسی نوپا معمولاً بحران‌ها همزمان یا ناگهانی و غافلگیر کننده ظاهر می‌شوند. بحران‌ها ترتیب توالی ساده‌ای ندارند. آنان ناگهانی هستند که ممکن است هر زمانی وجود داشته باشند و یا مستقل از هم بروز کنند و حل شوند. ممکن است حل یک بحران به تعیین و تشدید بحرانی دیگر بینجامد. در هر صورت مراحل اولیه ذهنیت و شکل‌گیری توسعه با عدم توازن همراه است.

نگاه ساختاری به نوسازی‌های بعد بحران در تطور فرهنگ سیاسی: در این دیدگاه جنبه‌های اجتماعی که معرف نظام اعتقادی و ارزشی جامعه است از یک سو و ساختارها به عنوان نظام عادلانه اجتماعی از سوی دیگر، رفتار افراد را شکل می‌دهد.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

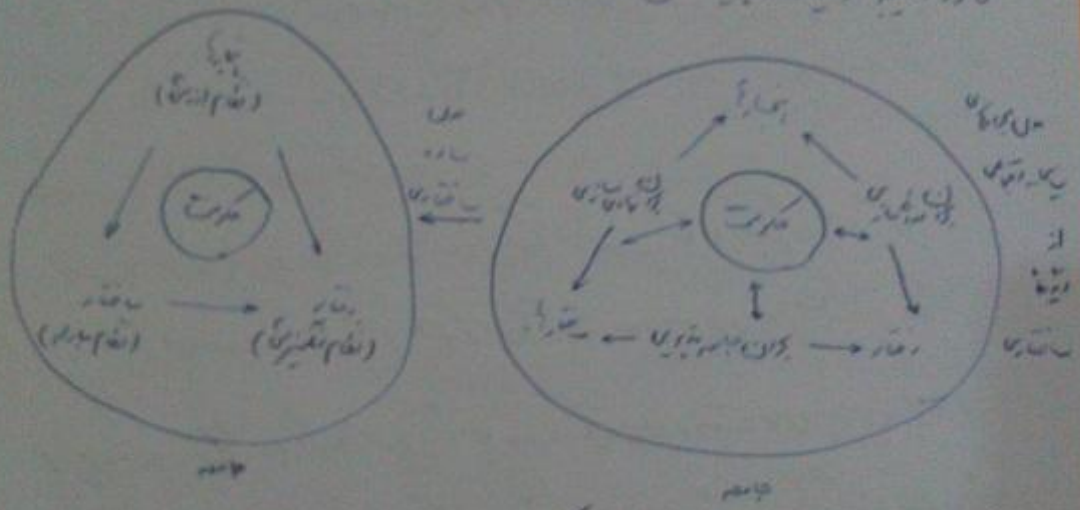
حکومت
جامعه
حکومت
جامعه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و لازم به تغییر است. تا وقتی که افراد جامعه بیشتر در نقش فرد باقی هستند تا کلیت زندگی

(مقصود و هدف اصلی خلق آدمیت و تمدن انسانی غالب جامعه که به تحول و نوآوری و حقانیت توجه می‌شود

در رابطه با زندگی و توسعه ابعاد مختلف مادی و معنوی صورت می‌گیرد و شامل روابط بین انسان‌ها، سازمان‌ها، حاکمیت‌ها،

باورهای سنتی، تعلیم و تربیت و ... که افکار، رفتارها و نگرش‌ها در جامعه شکل می‌گیرند.

۲- نوع و رنگ روابط اجتماعی تکلیف است: ۱) اصالت اندیشه در سلسله مراتب و اخلاق جامعه باشد.

۲) عدم اصالت تفکر و گرایش علمی و عقلی و استقلال و پیشرفت‌های دیگر خدشه‌دار است.

ویژگی‌های تمدن سنتی جهان سوم (غالب): ۱- قدرت بر مبنای وجهه خدایی و کاریزمایی و خواست الهی و نشأت و علوی قدرت

۲- سلسله مراتبی، آمریت و فرمان فرمایی اقتدار

۳- خواست طلبی، تابعیت، حقارت در برابر صاحبان قدرت، ترس، سکوت

۴- روابط بجای ضوابط، فقدان رسمیت و عرفیت

۵- عدم جامعه پذیری، خرافات، تقدیر، ماورا، آخرت گرایی

۶- نبود بینش و ویژگی علمی، تفکرات، شرافتی و خصوصیانه

۷- سایر ویژگی‌ها ...

ویژگی‌های تمدن مدرن: ضابطه محور بودن روابط - خردجمعی بجای خرد فردی - عقل‌گرایی و رهایی از قیود مادی و معنوی

بینش علمی و نبود تفسیر با استناد به علم و کشف روش‌ها - دنیاگرایی و مسائل مادی - روحیه کنجکاوی - حاکمیت قانون

و برابری انسان‌ها - نظم پذیری جمعی و آزادی سیاسی ...

توجه به خرد و خلاقیت و عادات او و ریشه و پرورش استعدادها و بالابردن بینش و جهان‌بینی او از مهمترین شاخصه‌های

توسعه است و برای انسان است که در نهایت باعث شکوفایی عقل‌ها و دیدگاه‌ها آغاز می‌شود.

۶- نتیجه بحث: یکی از مشکلات جوامع سنتی در نوگرایی و توسعه یافتن و هضم روش‌های مناسب برای زمینه‌سازی دگرگونی‌های آن است

برای این امر نقش سیاستگذاری ملتها اجتناب ناپذیر است. ولی گروه‌ها بعنوان از عناصر سنتی هستند که با این به مشارکت
دادن مردم و حکومت هم نیستند و با کسب اقتدار آنها نمی‌خواهند که قدرت و مشروعیت آنها زیر سوال برود، بنابراین
جامعه دیگر تا نقش سابقه‌ای چیزی در سیر انتخابی و جایگاه خود بازی می‌کرد که بعنوان امام و قاعده محور به انقلاب
می‌کرد. البته در موارد زیادی که کشور با هجوم گروه‌ها است و فشارهای بیرونی باعث تاخیر این مرحله می‌کرد.

۹- خودمختاری گذاری در فرایند توسعه و تغییر: امروز، اکثر جوامع تابع قدرت و فرایند سیاست و حکومت بعد از جنگ
کمونیزم او تغییر در نظام‌های مختلف به گونه‌ای دیگر دنیا است. پایان نظام دو قطبی و هجوم روی نظام سیاسی چند قطبی
زمینه بازی را فراهم آورده است. گروه‌ها، ادیان، اقوام، تمایلات مذهبی، فرهنگ‌های مختلف، اقتصاد چند سطحی ملی و چند سطحی
بین المللی، این مسائل فاصله گرفته. شناخت ریشه‌های تحول و آثار آن بر نظام‌های ملی و بین المللی، با ریشه
تعارض، سیاستگذاری، بحران، تغییرات و انقلاب‌ها، اندیشه‌های جهانی و نقش پیرامون آن و حقیقت و عمر این اندیشه‌ها و
جوامع و دولت‌های ملی از آن، کوشش برای حفظ امنیت و فرهنگ، افزایش به خصوص تعارض بحران می‌آورد. تعارض اندیشه‌های عصر
دوستگرایی، سنتی و طرفین بر حوزه‌ها، تمدن‌ها و بحران‌های ناشی از قومیت، مذهب، نژاد و ... و ریشه‌های (خودمختاری)
شناخت، پیشگیری و تدبیر بحران‌های ناشی خطر وجود دارد.

۲- نظریه‌های توسعه:

۱) نظریه توسعه تکخطی یک (دانش فنی): ادبیات منابع و ثروت از طریق دانش فنی و نوسازی به ایجاد، آزادی توسعه،
ادبیات تولید، زمینه و حمد در بازار با بسیج منابع و فعل به آوردن امکانات.

۲) نظریه توسعه انسانی: انسان محور توسعه است. فاصله و نقش انسان، ادبیات تحرک اجتماعی، همگونی، توسعه انسان‌های
اجتماعی به تمام آثار، اهداف، قدرت‌های اجتماعی، کارآمدی، انگیزه‌ها و ذهنی و بهره‌گیری از علمی گرایی.

۳) نظریه توسعه توده‌ای: مردم محور تحول، تاکید بیشتر اکثریت عمومی و تسخیر توده‌ها، همگون سازی و طرز تفکر
و تفکر مردمی. توسعه در شهر، در زمان و مکان‌های مختلف و در بین آنها ریشه می‌گیرد و از اهداف آنها با تفکر خود
خود می‌گیرند و با تفاهم با یکدیگر را تجزیه می‌کنند.

۴- نظریه توسعه جهانی: کوه تغییر کرده و در جریان سیاسی می‌باشد: ۱- افزایش شهرنشینی و تغییر بعد از تنش.

۵- نظریه توسعه ساختاری: ترسیم قابلیت‌های ایران الاذهان: تغییر مستمر ساختار نظام اداری، تمرکز زدایی، هدف جامع و متناسب‌های عملی برای تقویت دولت: گسترش وظایف غیر ساختار، افزایش قوانین مبادله دولتی.

۶- نظریه توسعه کارکردی: تبیین بر خود و تفهیم کلیات با مسئله توسعه و ارتباط آن با کارایی نظام سیاسی در تعمیم سازمان‌های سیاسی بودن فرایند تصمیم‌گیری و مشارکت وسیع تمام شاخص کشور، اقدام و عمل کانال‌های مختلف سیاسی، توزیع دموکراتیک ارزش‌های اجتماعی در بین اقشار و پاسخگویی به نیازها.

تأکید محض بر توسعه انسانی است و سازمان‌دهی فرایندهای دگرگونی در توسعه انسانی:

۱) تغییر نگرش انسان با طبیعت و نیازهای زیستی و مادی او
۲) " " " با انسان و مسائل فنی، سیاسی و اجتماعی
۳) " " " با خود که مربوط می‌شود به خود آگاهی، ارزش‌ها و هنجارهای معنوی.

امروزه به سرعت تحولات و مبادلات و ارتباطات جهش‌های فرهنگی و اجتماعی بر سر جنبه‌های تطور زیستی انسان غلبه کرده است که طی فرایند آن موجودیت وجودی به معنای ذات خارج از ماده (روح) و حقیقت طی تحول ذهنی و تکامل طبیعی البته با سرعت فزونتر تردید می‌شود. این سیر معکوس برعکس انفجار بزرگ و به تدریج به تعلم آگاه تردید شدن است. این تفکر تنها ده‌هاست از بحران‌های نابودی یا درهم‌شکستگی بین طبیعت و خلقت می‌دانند. با تحول در فرهنگ و الگوی زندگی به توازن رسید. اصلاحات زیاد و فرهنگ در سیر سریع مبادله مادی و معنوی که ادامه مطلوب می‌داشتند و در نتیجه جانشین شدن زندگی و الگوهای زیستی است. استمرار زندگی‌ها تا کجا ادامه می‌یابد؟ و آیا تمدن انسان جلوی دلدوین قابل تعمیم به خود در فرهنگ هست؟

۳- رهیافت‌های توسعه سیاسی:

۱- رهیافت فرهنگی - ارزشی: وقتی از منظر فرهنگ به تحولات می‌نگاریم تاریخ و نسل‌ها پیدا شده

فرهنگ سیاسی یک ملت مجموعه‌ای است که در آن ارزش‌های به جوار الصورت منابع قدرتی و گروه‌های فشار عمل می‌کنند و نهادهای حکومتی
حکومتهای یک ملت برای حفظ و تغییر وضع موجود است. مثلاً سیاستمداران با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت امتیازات را به دیگران واگذار می‌کنند،
در فرهنگ سیاسی اختلاف و تفاوت وجود دارد مثل ارزش‌هایی چون اعتقاد به معنویت در مقابل منابع مادی، نخبه‌گرایی در برابر کثرت‌
گرایی، جمع‌گرایی در برابر فردگرایی و ... که لازم است اعتقادات، باورها، ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و گروه‌های مذهبی و ... بشناسیم.
حکومتها همگی برای حفظ مشروعیت ناگزیر از تأکید بر عقلانیتی که کارآمدی و مشروعیت هستند و کسی که وجهه‌ای اخلاقی دارد
بر حفظ اصول، ارزش‌ها، مدارک و یک وضعیت تأکید می‌کنند. از منظر حق‌الناس فرد در جامعه حق می‌یابد اما فرد گروه‌ها
بر استقلال شخصی در اقناع تأکید دارد. اختلاف میان نخبه‌گرایان، کثرت‌گرایان و ... هر کدام از گروه‌های حاضر به
نوآوری در تحقق آرمان‌ها و ارزش‌ها می‌توانند منشأ تنش و چالش در نظام سیاسی ایجاد کنند آنها خواستار
خنثی یا جهت می‌دهند مثل گروه سبزها. رهبران سیاسی در شرایط خاص تاریخی رخ می‌دهد. و اشخاص با تجربه
تجربه‌ها و ذهنیات از حوادث و با توجه به اینکه ادراک افراد علاوه بر این موارد به موقعیت خود در ساختار نظام
اجتماعی بستگی دارد به نگاه و تغییر خاص می‌رسد مثل اینکه فرد حکومتی یا پیروزی، انقلاب، کاری یا دیگران با عمل و بسیار زیاد
تغییر از ناحیه تفاوت خواهد بود. در جنگ‌های تقسیم حکومت برای آگاه‌سازی، تحریک و ... مثل بومی‌بینی بشارها به آگاهی
که خارج از کشور و تعابیر برحسب گرایش سیاسی آنهاست. بشارهای نسنجیده بر وفاق و همدلی تأثیر منفی می‌گذارد.
موقعیت وضع موجود تمایلی به تغییر ندارند. اسطوره‌سازی، نماد، هنجارهای موهوم و خرافه و عامه مستی افراد با سیاسی برای
خنثی‌سازی اندیشه مخالف با نظام حاکم است. نادیده گرفتن باورها و اعتقادات در فرهنگ سیاسی شیوه متداول شکل‌گیری
از جریان ناشی از آگاهی سیاسی در توسعه می‌باشد. این نمادها، هنجارها و ارزش‌ها به خاطر هویت جمعی است که
که به وفاق ملی کمک می‌کند. ارزش‌های فرهنگی و هنجارها و نمادها بر رفتار و رفتار شکل می‌دهند مثل آداب مذهبی
تجویزهای ایدئولوژیکی و قدسی اساسی به عنوان هنجارهای اصلی فرهنگی حقوق و تکالیف رفتارهای سیاسی اجتماعی، نمادها
حکومتی در دوره‌ها و اعراب در فرهنگ سیاسی اشاره می‌کنند. ایفای نقش دهنده و نقش حکومت (سیاست و اقتدار
براساس هنجارهاست) و رفتار افراد تابع همان هنجارهاست و در خواست تحقق محسوب می‌شود که البته در صورت عدم آگاهی

خواسته‌ها و دست به مواضع را اعتراض می‌نمایند.

ب) رهیافت فرهنگی سیاسی: در هر جامعه‌ای تعدادی از نهادهای فرهنگی و نگاه‌های سیاسی وجود دارد که نقش‌هایی می‌کوشد که اهم آنها عبارت‌اند از: نگاه‌های سیاسی برجسته‌ای که به طرف غیررسمی عمل می‌کنند. اقتصادسیاسی که در گروه و در مورد تقسیم قدرت ایجاد می‌کند که باعث فساد و دخالت در امور و نهادها می‌شود و منبع اعتراض به ایشان نظام. سوءتفاهم‌ها، عوامل سیاسی، برنامه‌ها، بینش‌ها و عرف، تعلیم ایده‌آل‌ها و ... چند دهه‌ها محور تحلیل است و برای رفع ابهامات از ۲ رهیافت فرعی استفاده کرده‌اند:

۱) فرهنگ سیاسی: که آنها از خاستگاه رفتاری به تبیین تفسیرهای فرهنگی پرداخته‌اند. بحث‌های مختلف مربوط به مصاحبه و ... گرایش، دانش و بینش، احساسات و ارزیابی رفتار و بیان شخصی افراد به مسائل جامعه پیرامون، تاریخ، آداب و شواهد مختلف، حکومت، اتباع جمعی، احزاب و جامعه و خانواده و ... مورد بررسی قرار می‌دهند.

افراد بر حسب ادراکات و ذهنیت و سایر فاکتورهای متمایز کننده اعتقادات سیاسی خاصی را آموزش و رفتار خود بروز می‌دهند و به تدریج انسجام می‌یابند که ممکن است به اعتقادات سیاسی یا برعکس سرخوردگی برسند. تحلیلگران بیشتر از روش‌های کمی استفاده می‌کنند. فرهنگ سیاسی به آرمان‌های فرد و حکومت‌ها و سیاست‌ها به آن شکل و محتوا می‌بخشد. بعضی از شاخص در کشورهای توسعه‌یافته فرهنگ سیاسی بر مبنای عقلانیت در روند توسعه و دموکراسی و علم شکل گرفته است.

ب) رهیافت تفسیرگرایی: این نظریه‌پردازان بیشتر به تحلیل کیفی و تفسیری (هرمنوتیک) متون برای مدیریت معانی آنها توجه دارند. تفاسیر فرهنگی از یک خاستگاه تاریخی نشأت می‌گیرد. افراد اتباع سیاسی را براساس پیش زمینه‌های تاریخی شبکه قدرت معاصر، آموزه‌های شاخص و نمادهای غالب فرهنگی تعبیر می‌کنند. مدرنیته، دین، وسایل ارتباط جمعی و ... جزو متون است. فعالان حکومتی برای حفظ قدرت به بازتفسیر نمادهای فرهنگی اقدام می‌کنند. در مقابل گروه معارضین به تفاسیر جدید از مشروعیت اقدام می‌کنند.

در این هرمنوتیک از دایره یونانی «هرمس» اسطوره زبان و کلام گرفته شده و در پی روش ساختن معانی نهفته در متن است. از طریق تدوین خاستگاه فلسفی و اندیشه یک متن می‌توان به زمینه‌های شکل‌گیری آن دست یافت. هر کس در حیطه تجربه‌ای

برداشتی خاص (معنی متفاوت) از زندگی سیاسی داشته باشد. تغییرات اتفاق مشهود، احساس و ذهن نخبگان
بهم حادثه یا وضعیت زمانی گذشته در روایت می‌کند و منبع برای تفسیر آینده بکار می‌آید.
روش قضایی برای تأکید بر حوادث خود و معنی آنها به یک اتفاق جمعی می‌گردد. با این تفاسیر ایدئولوژی‌ها
را در مفاهیم و معنی ایجاد می‌کند. تغییرات با بحران مثل بحران‌ها و خشونت می‌تواند منجر به ابهام و معنی شود و کشمکش‌های قدرت
تعارض اندیشه به بار می‌آورد.
اعتقادات سیاسی شکل محتوای فرایند سیاست‌گذاری را معین می‌کند چرا که بر اساس اولویت‌ها ذهنی تصمیم‌گیران عمل سیاسی
است. تقدم و تدبیر مسئله نیز به اعتقادات ذهنی و اولویت‌های تصمیم‌گیران برمی‌گردد.
۴- خاستگاه و فرایند توسعه سیاسی: هر بحثی مقوله توسعه معمولاً بعد سیاسی از اقتصادی تفکیک می‌شود و این
باعث جدایی و خصوصاً یکی از کمی می‌شود و در تحلیل نهایی نتایج غیرواقع‌بینانه‌ای به بار می‌آورد. توسعه هم از
ساختار قدرت سیاسی تأثیر و تأثر می‌پذیرد که می‌تواند برانگیزاننده توسعه یا مانع دست‌یابی به آن باشد. توسعه سیاسی می‌تواند
بر بقیه توسعه و ابعاد دیگر را فراهم یا مانع عمده در توسعه پایدار باشد (ابعاد مختلف بر هم تأثیر و تأثر دارند).
اینکه هدف و غایت توسعه یک جامعه چیست تغییر در ابعاد می‌تواند دگرگونی در سایر ابعاد فراهم آورد.
اولین بار: توسعه سیاسی زمینه‌ساز تغییرات سامان‌یافته و بسیج نیرو و امکانات یک جامعه برای توسعه‌ای
و توسعه اقتصادی است. سامول هانتینگتون تعریف توسعه‌ای از این باب تعریف مورد نگهی ندارد. بدیهی است که قدرتی
استبدادی با قدرت مستبد با بسیج و اعمال و تقسیم نخبگان توسعه سیاسی و توسعه هم جانبه به کندی حرکت
می‌کند. به دلیل عدم احساس ضرورت و سرکوب قشرهای از پایین به انقلاب‌های ناشی در کوتاه‌مدت ناکام و در بلندمدت
مغلوب جریانات و عوامل ناکارکردی اجتماعی می‌شوند. تا زمانی که قشرهای فرهنگ سیاسی کمتر برای حل معضلات و فراهم
نیاورد فرایند سیاسی منجر به تعطیلی شدن قدرت، روح خشونت و سرکوب و خودفریبی می‌شود و خودفریبی ناشی از سیستم
[illegible] سیاسی و علمی شکل‌گیری ایدئولوژی‌های رقیب به شکل موسم خودگردانی در جامعه ایجاد می‌کند.

در این شرایط مشارکت و بسیج منابع از بین رفته و مخرب کارکردهای پیچیدگی بنیادی و ناکارآمدی و عدم مشروعیت پدید می آورد.

الف) مکان‌های خاص‌شکل گذاری: تکیه بیش از هر چیز بر نوشتن مقدس در خود کتاب و تولید و تصرف (تقسیم کردن) آن هر قاعده‌ای بر بدیهیات و آداب و سنت این خطر وجود دارد که نقش ارزشهای جهان‌ها و عادات و دیدگاه‌های عوامل فرهنگی و جامعه مشاهده‌ای که عمدتاً خاستگاه فرهنگی دارند نادیده گرفته شود و آن به دلیل ابهام و دوگانگی عوامل و تفکیک مستقل جهت حتی کشورهای پیشرفته صنعتی در این حوزه‌ها بی‌توجه باشند خود شده و با چرخش در روش شناسانه توجه به اعتقاد و دین و مذهب و اندیشه‌های سنتی و فرهنگی معطوف کرده‌اند. بسیاری از آن کشورها و اکنون در کشورهای در حال گذار به مدرنیته از سنتی و مذهب و فرهنگ بعنوان عوامل بازدارنده توسعه یاد می‌شود. عامل فرهنگ سیاسی و سیاست در جامعه متغیرهای مهم و مشکل برای توسعه پایدار است. گروه‌های متمایل به چپ و تنگ سیاسی (تجربه و ایدئولوژی) را ذی‌نفوذ می‌دانند و علل اصلی تفاوت‌ها را در نابسامانی‌ها جستجو می‌بینند و راه‌های آن را در حال چه جانبه دولت می‌دانند اما سازمان‌های سطح خرد (فرد) را عمدتاً عامل تفاوت‌ها در جامعه می‌دانند نه جامعه را. کنش‌ها و اعمال سیاسی صرفاً نتیجه تفاوت‌های بیرونی و عوامل و ابعاد مختلف نیستند بلکه بازتاب تعامل میان درون (بینش و نگرش فرد) و بیرون در یک جریان تجربه و یادگیری هستند. مطالعه فرهنگی و درک کرد فرهنگ سیاسی به معنای توسعه، دخل و تصرف در عوامل و شاخص‌های فرهنگی یک جامعه در کوتاه مدت ممکن نیست و در بلند مدت به برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده نیاز است. در تغییر الگوهای فرهنگی عوامل متعددی دخالت دارند که بدون توجه به آنها ممکن است نتیجه عکس ایجاد نماید. تفاوت‌های سنتی، قومی، دینی و ... در حوزه فرهنگی یک جامعه از جمله متغیرهایی است که بی‌توجهی باعث بحران می‌شود. ریشه‌های ارعابی شدید در ظاهر توجیه داشته باشند ولی تغییرات باطنی و درونی نمی‌شود مثل فرهنگ‌هایی افتاد جاهل شده‌ای که هنوز توسعه جوابی اعتماد و رسم کرده‌اند.

ب) جامعه پذیری و توسعه سیاسی: جامعه پذیری گروه سنی جوان بیشتر از بزرگسالان است و کشورهای جوان

با برخورداری از این وضعیت زمینه برای شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوجود می‌آید.

۲- عامل اصلی توسعه اقتصادی همزمان با دموکراسی: ۱- پیدایش طبقه متوسط: همزمان با چرخش حکومت و تجارت که در ابتدا با حمایت دولت و در ادامه با تلاش خود، قانونی و اختیاری مشارکت در آنها تقویت می‌شود. از شاخص‌های دموکراتیک نیز اوسع انجمن‌ها، جلسات مردمی متشکل می‌شود. ۲- تشکیل مشارکت سیاسی با درونی شدن تدریجی از سنت‌ها، تقاضای مشارکت و رفتار انتخابی زمینه ۳- توسعه نهادهای دموکراتیک ثبات و تداول و فراهم می‌آید. در تمام مراحل حس اعتماد شرط اصلی تغییر است و مردم با اعتماد به جریان و سیاستمداران احترام گذاشته و وفاق و همدلی گسترش می‌یابد. با مدد جستن به مطلوبیت قانون باعث مشارکت بیشتر و گرایش قانون‌گذاری و مجری به پایبندی می‌شود. در شرایط عدم اعتماد متقابل نه قانون و نه زور به ایجاد وفاق ملی کمکی نمی‌تواند بکند. که در ادامه عدم اعتماد بحران اعتماد که ریشه در فرهنگ عمومی یک جامعه دارد و ممکن است باعث از بین رفتن کارکردهای حکومت اجتماعی باشد ایجاد می‌شود. اعتماد یکی از عوامل مهم تغییر نگرش اجتماعی است که لازم است برای استقرار دموکراسی نهادهای متناسب در جامعه مستقر شود. اینها الگوهای فرهنگی و جامعه‌پذیری نقش تعیین کننده‌ای دارند. رضایتمندی مردم تابعی است از نحوه پذیرش باورها و ارزش‌های غالب بر ذهنیت آنها که شخص کمی مشخص ندارد. لذا احساس تردید یکی و یا رفاه و آزادی صرفاً معلول ذهنیت و جریان ذهنی غالب است. رفتار مردم معمولاً تابع نوعی تداوم ذهنی یا ثبات است ولی دگرگونی‌های متفاوتی بیانگر تجربه‌های شخصی هستند.

ب) رضایت عمومی و وفاق ملی: در جوامعی که امنیت اقتصادی وجود دارد و با ایجاد (پیدایش آمدن) هنجار ذهنی که زمینه‌ساز حس اعتماد، خوشبینی و در نهایت توسعه می‌شود، رضایت عمومی بالایی وجود دارد. آنچه در این رضایت نقش بیشتری دارد نهادهای دموکراتیک، اعتماد متقابل و وفاق ملی است که بعضاً با تغییر ذهنی پایدار به بقای دموکراسی منجر می‌شود. اعتماد پدیده‌ای ذهنی متأثر از تجارب تاریخی ملت‌هاست. یکی از نهادهای توسعه دموکراسی وجود زمینه فعالیت برای گروه‌های ضد نظام سیاسی است و اعتماد بالایی ایجاد می‌کند.

سطح پایین اعتماد و رضایت مردم باشد جذب آنها به گروه‌های مخالف با نظام حاکم است. پس جذب گروه‌های چپ گرایی افراد رادیکال و ایدئولوژیک سوسیالیست و اسلام‌گرایی. از جمله نتیجه‌ها جلوگیری از تمرکز سیاسی طرح مارشال در اروپای غربی (افتادن مردم کرملین) بوده است و در ادامه علم برآمده انتقادات توسط گروه‌های منظم کار و تمویل جریان. در صورت عدم وجود ساختار مذهب سیاسی - اجتماعی شرایط اقتصادی جنبه آن کلی به استقرار دکترین می‌کند. در کشورهای غیر دموکراتیک و یا عمل نامطلوب دولت‌ها (نارضایتی حکومتی) صورت‌های شاخص به چشم می‌خورد. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد متقابل، مشارکت، بحث و تبادل سیاسی با حمایت از وضع موجود همبستگی بالایی دارد و برعکس.

۴- کثرت‌گرایی و خط‌مشی سیاسی: نظریات کثرت‌گرایی سیاست را به عنوان یک بازی بین گروه‌های رقیب برای دستیابی به قدرت سیاسی تلقی می‌کند. طرفین به نظم مقرر هستند، هر طرف بازیگر دارای اهداف در فضای کشمکش همکاری بر حسب شرایط هستند. اختلاف زمانی بروز می‌کند که گروه‌های حاضر در یک بازی مجموع صفر می‌شوند (برد یک طرف و باخت طرف دیگر) ولی اگر بازی بر همکاری باشد بازی با حاصل جمع مثبت است (احساس برد هر دو طرف). ولی در شرایط تعارض و از دست دادن امتیاز بازی با حاصل جمع صفر خواهد بود. برای تقلیل ساختارهای لازم است حاکم و تقسیم قدرت سیاسی، اساس نظم سیاسی و فرایند خط‌مشی عمومی متغیر به تغییرات اجتماعی برمی‌گردد.

انواع پلورالیزم (کثرت‌گرایی):

۱) کثرت‌گرایی لیبرال: گروه‌های عمده در قالب انجمن‌های صنفی و اقتصادی است. بازی با حاصل جمع مثبت است. در کشورهایی چون آمریکا، استرالیا، نیوزلاند و اروپای غربی با این گرایش گروه‌ها و انجمن‌های مستقل میانجی میان حکومت و افراد است، قدرت دولت به این طریق محدود و کنترل می‌شود و خط‌مشی محصول تفاهم و تعادل خواسته گروه‌های متنوع است. این گروه‌ها ابتدا از طریق احزاب (بعد از سیستم نمایندگی) و در صورت عدم نتیجه توسط سیستم قضایی

دنبال اهداف و آرمان‌های خود هستند.

۲- کثرت‌گرایی کوشل (قومی): معمولاً گروه‌های نژادی و مذهبی بیشتر درگیر بازی سیاسی می‌شوند. مصاحبه‌ها گروهی از مناطق بحرانی و بهم خوردن تعادل اجتماعی و اجرای پیچیده‌تر شدن شرایط جامعه باعث از قطبی شدن روابط تابع بازی‌های مجموع صفر است و انتقادات قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و غیره سازمان می‌دهند. خواستشان تداول یا شکل‌گیری مسائل جدید نیست.

۳- کثرت‌گرایی راکیل (افراطی): در این کثرت‌گرایی (برخلاف مثلی که بازی‌های سیاسی عمدتاً بین گروه‌های مسلط قومی و نژادی بوده) تنوع نژادی از گروه‌های رقیب و معارض و سازمان‌یافته دیده می‌شود. گروه‌ها بدنبال تغییرات بی‌قواعد بازی و خواهان مشارکت بیشتر در خواستگذاری هستند. این گروه‌ها با خواست دیگر بازیگران با حاصل جمع منفی می‌کند. چالش بحران و درخواست برای بیشتر. از نظر این گروه‌ها، احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و نهادهای حکومتی ابزار تأمین منافع شرکت‌کنندگان هستند و خودشان ابزار لازم برای تأثیر در سیاست‌های عمومی ندارند.

۵- نتیجه بحث: فرهنگ سیاسی رابطه میان توسعه اقتصادی و دموکراسی است. فرهنگ مدنی رابطه مستقیم با فضای اعتماد و رضامندی دارد و نبود آن گرایش‌های افراطی بر تغییر وضع موجود است. توسعه فرهنگ مدنی با ثبات دموکراسی و عمل مطلوب کشورها بستگی بالایی دارد. دموکراسی با ثبات تنها به اقتصاد بستگی ندارد، بلکه شرایط فرهنگی است که در دراز مدت به توسعه اقتصادی و سیاسی در کنار کمک می‌کند. عوامل خارجی در کشورهای در حال گذار نقش سرکننده و بازدارنده، خاصه در دموکراسی می‌توانند داشته باشند. نقش مذهب و باورهای دینی نسبت به مرحله توسعه متغیر است. در جامعه ما نقش خاصی نقش وسیعی دارد ولی در جامعه دوران مذهب نیز از فرهنگ و در روند اصلاحات نقش آن کم‌رنگ است.

۱۰- خواستگذاری در سیاست خارجی:

۱- مقدمه: زمینه بحث: سنت گرایان وابسته به نحله فکری آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی به نظریه‌های علمی روابط بین‌الملل با تردید نگاه می‌کنند. از نظر سیاست‌گذاران مقوله پیچیده و متفرق و متنوع روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در ظرف

محدود علم نمی‌کند و تصمیم‌ها و اهداف با توجه به نوع و شرایط تصمیم‌گیری ممکن می‌شود. این مدل به دولت‌ها و جریان‌های علمی و میان‌رشته‌ای و دیدگاه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی با بهره‌گیری از الگوی تحلیلی به امکان وجود تعارض مادی و نیز تناقض میان آن دو نوع در نظر و عمل با تلفیق منطقی برای تدوین و هدایت سیاست خارجی بررسی کند.

۲- هدف و وسایل در سیاست خارجی: هر است سیاست خارجی یک کشور در عرصه تعاظم و طوفان سیستم‌های بین‌المللی مستلزم بکارگیری عقل، علم، تجربه، احساس و شعور و غیره (حیات) است و تعیین بسیاری برای رسیدن به هدف بدون ناگزیری عبور از گرز طوفان که موجودیت ما را به خاطره می‌اندازد که عاقلانه اشاره حکم می‌کند غرق خود به دیگران نیز بیندیشیم که سکان سفینه را با اعتماد به ما سپرده‌اند. ما و بال رسیدن به هدف با حیات و بدون تشویش مستمر هست که در غیر این صورت منطق حکم می‌کند مسیر یا سفینه یا هدف دوباره کوتاه و انتخاب گردد.

سیاست خارجی هر کشور، مجموعه خواستها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب موضعی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌کند می‌باشد. به عبارتی سیاست خارجی بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین‌الملل و ارتباط با دولت‌ها و مجامع و سازمان‌های بین‌المللی است.

۲- بخش مجموع فرآگرد سیاست خارجی: ۱) اهداف و منافع در عرصه روابط بین‌الملل ۲) شیوه‌ها، ابزار و روش‌های کسب اهداف فوق. آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی تأثیر مستقیم روی هر دو مؤلفه دارد.

۳- الگوهای سیاست‌گذاری خارجی: بینش واقع‌گرا: قدرت و منافع ملی در عنصر محوری - بازیگری خردمند در جهت ارتقای منافع (مادی و معنوی)، افزایش قدرت در عرض منافع، عمل سیاسی: دوراندیشی، احتیاط، واقع‌بینی محیط ملی و بین‌المللی - آگاهی بر ظرفیت‌های سیاست خارجی - ترجیح شیوه‌های تعامل، تفاهم، چانه‌زنی و دیگر روش‌های مخاطره‌آمیز دولت‌های ملی بعنوان واحد اصلی و مبنای تجزیه و تحلیل، عدم همسویی و تفاهم در منافع و اهداف دولت‌ها (تعارض) - روابط دولت‌ها چه رقابتی یا تقاضمی یا تخاصمی باشد ماهیتی بین خیر و شر دارد که در صورت تعارض اهداف تخاصم ایجاد می‌شود.

بینش آرمان‌گرا: عدالت، اخلاق، تبعیت از قانون و حقوق بشر مطلوب است

تعلق سیاست قدرت بعنوان انحراف از اصول انسانی و اخلاقی، عدم وجود حقوق و عدم توجه تأمین اهداف
بینش آرمانگرایی مکتب رئالیسم را قهرمانی و بدبینی به طبیعت و فطرت انسان دانسته و اهداف خود را صرفاً
مقدم می‌کند. آرمانگرایی یک نیز حکومت خوب و واقع‌گرایی یک هر کس می‌داند. هر دو هنجاری و تجویزی بوده
ولی با بینش متفاوت.

کسینجر: آموزش رئالیستی: تعارض بین واحدهای سیاسی ناشی از بروز اختلاف از قواعد بازی، منافع متعدد
دخیل، عدالت و مشروعیت می‌داند. مشروعیت عدم نظم و شامل چارچوبی عدم قبول بر نظم بین‌المللی توسط
تمام قدرت‌های عمده و تنگناهای روابط بین‌المللی است. اختلاف نظر در نظام بین‌الملل معاصر ناشی از تعارض
میان دو طرز اندیشه و عمل ۱) دولتمرد سیاسی ← هدف مقدم (حفظ بقا) ، سیاست خارجی قائم به شخص،
تقابل می‌داند. ۲) سیاستمدار انقلابی و شکننده است، میانه‌روی، اعتدال‌گرایی.

↓

دوری از مصلحت‌اندیشی، خلق حقیقت، عدم واهمه از مخاطره در راه هدف.

وجود دوی این دو چهره باعث بحران و بی‌ثباتی در روابط بین‌الملل است.

۴- آثار بینش واقع‌گرا و آرمانگرا در سیاست‌گذاری:

سیاست خارجی واقع‌گرا به لحاظ منطقی (تمثیل سفینه) قبل از عبور از دریای متلاطم نقشه حرکت و مسیر خود را طوری
طرح می‌کند که برای رسیدن به مقصد (هدف) با کمترین مخاطره مواجه شود. واقع‌بینی حکم می‌کند تا نیروها، عناصر و متغیرهای
طبیعی و مصنوعی مشخص شود. شرایط نامطمئن باشد و در مسائل مختلف تأمل کرد، تا بتوان پایداری و ایمنی و مقاومت
سفینه مطمئن بود و فرمان آن را در دست داشت و پس شود از بروز حوادث اجتناب شود. که در غیر اینصورت کارگزار سیاست خارجی
حتی قادر به جواب آرمانگرایی، بدون شناسایی واقعی از محیط ملی و بین‌المللی، بدون خارج و صرف شعار و تقدیر و فاقد امکان
اقدام کند عین بی‌خردی است. کارگزار در تعیین هدف نقشی ندارد بلکه انتخاب بهترین مسیر کار اوست که با توجه اختیارات
نیز ضرورتاً برای شرایط عملیاتی داشته باشد و خواه از وقت خود در خدمت کشتی آگاه باشد.

سکانداری سیاست خارجی مثال بارز کشتی نشینان است که یا خود و یا از طریق نمایندگان خود تعیین کرده اند که اتلاف
از آن نقض غرض است که البته ناخدا لازم است با پیش بینی خطرات پیش رو مسیر حرکت را بداند. رخدادهای
طبیعی و غیر طبیعی، دریانوردان، مسافران و وضعیت طبقات مختلف مردم را باید در نظر داشته باشد.

از منظر آرمان گرای افلاطونی - دینی ناظر - معتقد بود چون ناخدا و سکانداران اشخاصی صالح و دور از خطا و
انحراف هستند هدف و مقصد را آنها تعیین می کنند. منافع طبقه حاکمان چیزی است که نخبگان حکومتی تشخیص می دهند که
در رأس آنها فیلسوف حکیم است. (شرایط آرمانی افلاطون که تحقق هم خیلی مشکل است به این مسئله در واقعیت ندارد است).

از نظر ارسطو که بارور آرمانگرایی افلاطونی و جامعه تخیلی افلاطون نفع عموم را در تعارض اندیشه و آرای مردم می داند،
نفع عام هم وجه تقدس ندارند و با مبادله افکار عمومی مورد تصحیح قرار می گیرند که ملاک برای اکثریت و مشارکت عموم ناشی
می شود که استبداد حاکم را می نماید و نهایت سیاستگذاری (سکانداری جامعه) در جهت بهزیستی و سعادت شهروندان است.

ریچارد نیکسون: بنیانگذاران ایالات متحده بیشتر می توانند از آن کشور را با عنوان (نظم تازه ای برای اعصار)
نام نهادند در حالیکه آنها می دانستند به رغم دیدگاه علاقه نخبگان و برخی متفکران حکومت را در دست دارند و توده های عامی.

۵ - الگوی آرمانگرایی واقع بین: سیاستگذاری اخلاق و عاقد آرمان و آرمانگرایی تخیلی خود دور و نگاه کند. بیشتر اوقات
منافع طبقات جامعه دولتمرد آرمانی نمی تواند تحت تأثیر عواطف و احساسات مشکلات جامعه را دست تقدیر بسپارد.

این الگو در حقیقت تلفیقی از دو بینش است.

نیکسون واقع گرای مکیاولیستی رسوای واترگیت را توصیه می کند به رهبران کشورش که آرمانگرایی واقع بین باشند.
چرا چنان در فلسفه عملکردش آرمانی نیست و یک آرمانگرایی والا و انسان مقدس می توانند بر اساس بین آنچه آنده و آنچه
در آنچه در واقع قدرت تحصیل دارد، ایجاد کند. او آرمانگرایی ناکام آمریکا را ریشه یابی می کند و می گوید سیاست خارجی
آمریکا در تناقض (اتردا آمرایی و جهانگرایی آرمانی) است. شکل شکست آمریکا در ویتنام که از نظر اخلاقی انجام داشت.

او می‌گوید تا زمانی که آدمیان از قانون عمومی دست برندارند از نظر سیاسی و دموکراتیک ناکام خواهند بود.

سیاستمداران واقع‌گرای قرن بیستم جهان را آنگونه که هست باید دید و آنگونه که باید و شاید باید پیشه تحولات را شناخت و متناسب با آن حرکت کرد.

هانس مورگنتا: مثال بارز این اندیشه عملکرد چرچیل آمریکا و واقع‌گرا:

چرچیل نخست وزیر قبل از جنگ دوم انگلستان که حوزه اخلاقی، آرمانی و طرفدار سیاست تنش‌زدایی بود که هدفش انسانی و صلح و امنیت و عدالت بدون انگیزه قدرت طلبی، برای سعادت عموم بود، ولی خودمشی انتقادی او وقوع جنگ جهانی دوم را اجتناب ناپذیر کرد.

چرچیل که انگیزه اش متوجه قدرت فردی و ملی و فاقد جهان‌بینی بود، و اعمال سیاست تسخیره، تابعی و دست یافت که آثار سیاسی، اخلاقی و انسانی بر اثر بیشتری از عملکرد چرچیل داشت. بنابراین سیاستمدار اخلاق‌گرا و قانون‌گرا نمی‌تواند نقش قدرت را نادیده بگیرد و برعکس.

۶- راهبرد تجویزی: هر حکومتی باید تجلی و شهامت پذیرش این حقیقت را داشته باشد و اهداف خود را با توجه به واقعیت‌ها تعیین کند و محدودیت‌ها و امکانات و ابزار و شیوه‌ها را خوب بشناسند. شکست و پیروزی‌ها همیشه هست و اهداف جبران ناکامی‌ها.

مسئله مسئله اساسی در تدوین راهبرد عملی سیاست خارجی: ۱) تعیین آرمان و اهداف - مشروعیت و وسیله تأمین آن

- تجهیزات و روش از جمله مذاکره، ارعاب، اقناع و ... بر حسب منافع و علایق ملی، استراتژی‌ها و پیشبرد آرمانی.

۲) برای تأمین هدف مشخص کنیم چه بایدی حاضریم پرداخت کنیم

در دیپلماسی همواره داد و ستد مطرح است و تشخیص اولویت‌ها با توجه به فرصت‌ها، تعهدات و محدودیت‌ها

۳) اگر قرار باشد هدف خاصی با اعمال فشار سیاسی تأمین کنیم

سود و زیان شیوه‌ها ارزیابی شود و در تعیین روش به آثار بیرونی آن در سطح جهان و نقش و اعتبار توجه شود.

۷- نتیجه بحث: در بحران سیاسی اگر تابع مقدور و مفقود شرایط و دنگ و لعاب یک حرکت به معامله سیاسی شود زیرا یک قرارداد یا توافق سلامت یا نارضایتی از نبرد آن به راحت جدا است. اصحاب با عدول لطف، ظواهر حریف، امتیاز دادن بدون امتیاز گیری (تحمیل اشتباه حریف) و تن دادن به ضرب العجل و اضطرار (عجله در حل معضل به طراحی حتی آثار مقطعی آثار درازمدت منفی و باعث خسران منافع ملی را می‌شود) نباید در دادوستدهای سیاسی باشد.

در آرمانگرایی واقع گرا: مطلق، مدارا، میانه روی و سعه صدر، توجه به اصول، عقاید و اعتقادات در محبت و رضای منافع کلان جامعه بالاتر خوب و مفید است. حافظه کاران مخالف و لیبرال‌ها و میانه روها موافق و تجدید کننده روش هستند. معیار توفیق در سیاست خارجی رسیدن به هدف عدم اجماع بر روش عقلانی و مشروع به نحوی که به مطامع به هدف برسند. سیاستمدار باید مثل ماکیان قاز اغلاطون سیاه‌های کمرنگ اشباع در جهان واقعی اشتباه نگیرد. اصل منافع کلان جامعه است و ایده‌آلوری هم در بطن منافع جای دارند.

افراط گرایان چپ مطلق اندیش به همان اندازه ممکن است منافع و مصالح جامعه را به خطر اندازند که راست گرایان که تسلیم مطلق نشده بخاطر اصولی که بدان معتقد است ولی باید دانست که سیاست هنر ممکن است اما رهبری هنر تبدیل غیر ممکن به ممکن است.

والسلام.